

توضیحات:

- ویژه آزمون سازمان تامین اجتماعی
- حیطة عمومی
- خلاصه + نکات مهم

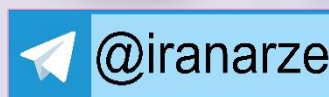
خلاصه و نکات مهم

اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی تامین اجتماعی ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی سازمان تامین اجتماعی، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »



❖ فصل اول: خلاصه اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری - صفحه ۲

❖ فصل دوم: نکات مهم اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری - صفحه ۲۸

فصل اول: خلاصه اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری

پیشگفتار

اندیشه سیاسی دربرگیرنده مؤلفه هایی است که باکنار هم قرار دادن آنها می توان تصویری را از آن به دست داد. با توجه به ضرورت شناخت اندیشه سیاسی علمای دین و تجزیه و تحلیل این اندیشه ها برای پیشبرد جامعه دینی و اسلامی و از سویی توجه به جایگاه والای ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران شناخت اندیشه های رهبر معظم انقلاب با هدف فهم سیاست های کلان ایران اسلامی ضروری است. از دیدگاه رهبری، حکومت اسلامی در اداره جامعه، روش ویژه ایرا دارد و چنان نیست که بتواند با کارگیری «روش های غربی» به هدف های خود برسد. بنابراین، حکومت اسلامی باید روش حکومتی ویژه و شایسته ای داشته باشد.

بیان مسئله

اندیشه سیاسی، در برگرفته بنیان ها و مؤلفه هایی است که باکنار هم قرار دادن آنها می توان نمایی از آن به دست داد. این بنیان ها، نظام سیاسی خاصی را معرفی می کنند.

اهمیت موضوع

توجه به ضرورت شناخت اندیشه عالمان دینی و نیز تحلیل این اندیشه ها برای پیشبرد جامعه اسلامی و با توجه به جایگاه ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، شناخت اندیشه های سیاسی رهبر انقلاب، آیت الله خامنه ای به منظور فهم سیاست های کلان ایران اسلامی ضروری می نماید.

پیشینه پژوهش

تا کنون هیچ کتاب یا پژوهش جامعی در زمینه این موضوع، نگاشته نشده است و آنچه در برخی از کتاب ها، پایان نامه ها و مقاله ها آمده، یا بخشی از اندیشه سیاسی ایشان است یا ارتباط چندانی با موضوع اندیشه سیاسی ندارد. از جمله کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده اند عبارت اند از: ۱- تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، ۲- فراتر از ذهن، ۳- پرسش و پاسخ از محضر رهبر انقلاب، ۴- هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، ۵- حوزه و روحانیت در بیانات رهبر معظم انقلاب، ۶- عبرت های عاشورا؛ اصلاحات و وحدیت ولایت در ده مجلد که مجموعه ای از سخنرانی های آیت الله خامنه ای است. همچنین پایان نامه ای با عنوان نقش مردم از دیدگاه آیت الله خامنه ای در کتاب خانه مؤسسه باقرالعلوم علیه السلام و پایان نامه دیگری نیز با عنوان اصلاحات از دیدگاه آیت الله خامنه ای حجت الاسلام و المسلمین خاتمی در کتابخانه دانشگاه مفید موجود است.

پرسش اصلی

مبانی اندیشه های سیاسی آیت الله خامنه ای کدام است؟

پرسش های فرعی

۱- آیا از نظر آیت الله خامنه ای، انسانها از یکدیگر بیگانه یا با هم یگانه هستند؟

۲- به نظر آیت الله خامنه ای، آیا انسانها برابر یا نابرابر آفریده شده اند؟

۳- آیا از دیدگاه آیت الله خامنه ای، قدرت به واقع لازم است؟

۴- محدودیت های قدرت از دیدگاه آیت الله خامنه ای چیست؟

۵- هدف های نهایی قدرت از نظر آیت الله خامنه ای کدام است؟

فرضیه های پژوهش

بیگانگی و یگانگی انسان‌ها، ضرورت قدرت، محدودیت‌های اخلاقی و قانونی قدرت و تحقق اراده الهی، ایجاد عدالت اجتماعی، تأمین امنیت و رفاه به عنوان غایت‌های قدرت، بنیادی‌ترین اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای هستند.

مفاهیم کلیدی

یگانگی، برابری، قدرت، محدودیت‌های اخلاقی و قانونی قدرت و عدالت اجتماعی.

پیش‌فرض‌های پژوهش

۱- اندیشه سیاسی اندیشمندان، بر بنیان‌های نظری خاصی استوار است.

۲- در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، نوعی سازگاری میان مفاهیم جدید و آموزه‌های دینی برقرار می‌شود.

هدف‌های پژوهش

تبیین اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در موضوعهایی همچون قدرت، ولایت فقیه و مردمسالاری دینی، از هدف‌های این پژوهش است.

با توجه به ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران محوری بودن ولایت فقیه در آن، به نظر می‌رسد بررسی اندیشه سیاسی فقیهان شیعه، می‌تواند مبانی معرفتی را برای ساختار نظام فراهم آورد. پس بررسی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند در ساختار جمهوری اسلامی ایران اثرگذار باشد.

روش پژوهش

روش در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. یعنی با استفاده از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، به توصیف و تحلیل اندیشه سیاسی ایشان می‌پردازد.

ساماندهی پژوهش

در این پژوهش کوشیده‌ایم بر اساس اندیشه‌های (گلن تیندر) در کتاب تفکر سیاسی، عنوان هر فصل را مشخص کنیم.

عنوان فصل اول: پرسش‌ها و آرای تیندر

عنوان فصل دوم: بررسی زندگی‌نامه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای

عنوان فصل سوم: به جواب این پرسش خواهیم رسید که آیا انسانها ذاتاً از هم بیگانه‌اند؟

عنوان فصل چهارم: موضوع برابری و نابرابری بین انسانها

عنوان فصل پنجم: موضوع ضرورت و قدرت مطرح می‌شود که آیا قدرت به واقع لازم است یا خیر؟ ص ۱۰

در فصل پنجم به پرسش‌هایی مانند نیاز به پیامبر، امام معصوم و ولی فقیه و نقش مردم در تعیین ولی فقیه پاسخ می‌دهیم.

چارچوب نظری

از نظر تیندر، شناخت اندیشه سیاسی، نتیجه آشنایی با شک‌ها و پرسش‌هایی است که اندیشه از درون آنها به وجود می‌آید. بر اساس این دیدگاه نمی‌توان روند تفکر را در پیامد‌هایش خلاصه کرد و در عین حال، دچار اشتباه نشد، زیرا پرسش‌ها نه تنها آغاز تفکر نیستند، بلکه تداوم آنها به اوضاع محیط زندگی نیز بستگی دارد. اگر ایده‌ها و نظریه‌ها از مسائل و پرسش‌هایی گرفته شود که به پویایی آنها می‌انجامد، از نظر فکری به موضوعهایی ایستا تبدیل می‌شود و علت آن، بی‌معنا شدن آن ایده‌ها و نظریه‌هاست. از این رو، تفکر زنده در تماس همیشگی با پرسش‌های اساسی محیط خویش است.

چرا به تفکر سیاسی می‌پردازیم؟

به بعضی از پرسش‌ها هیچ‌گونه نمی‌توان پاسخ داد. برای مثال، چه وقت شخص حق دارد از فرمان حکومت سرپیچی کند؟ آیا هرگاه خیر ملت ایجاب کند، دولت حق دارد قوانین اخلاقی را به صورت مشروع زیر پا بگذارد؟ پاسخگویی به چنین پرسش‌هایی بدون اندیشه امکان‌پذیر نیست. می‌توان از علوم اجتماعی، تجربه شخصی، تاریخ و منابع دیگر آگاهی‌هایی به دست آورد، ولی تنها اندیشه می‌تواند تعیین کند که کدام یک از این آگاهی‌ها به پرسش مربوط است.

ایا پاسخ دادن به این پرسش‌ها لازم است؟ ایا بدون اندیشیدن مداوم درباره آنها نمی‌توان خوبی زندگی کرد؟ پاسخ به هر دو پرسش در این اصل نهفته است که تنها از طریق ایده است که روابط خوب را با واقعیت تشخیص می‌دهیم.

پرسش دیگر این است که چرا به نوع خاصی از پرسش میپردازیم که تنها میتواند به پیامدهای غیر یقینی و بحث انگیز بینجامد؟

پاسخ نخست، در مبحث نیاز به ایده هایی که تنها با اندیشیدن می توان به آنها رسید، آمده است. پیامدهای اندیشه هرچه جدال برانگیز باشد، زندگی مدنی بدون آنها امکانپذیر نیست.

پاسخ دوم نشان میدهد که هر فلسفه سیاسی، درون خود عنصری ذهنی دارد؛ «زیرا فلسفه سیاسی، مانند هر کار هنری دیگر، کاملاً آفریده فردی معین است و فاقد اقتدار دستگاهی از قوانین علمی است»، ولی دقیقاً ذهنی نیست.

سرانجام اینکه پرداختن به پرسش به گونه ای که هرگز نتواند بر قطعیت ناپذیری چیره شود، تنها به دلیل ارزش ذاتی آن هنگام پرسش، ارزشمند است. به باور تیندر، با اندیشیدن می توان به انسانیت رسید و این مرتبه از هیچ راه دیگری به دست نمی آید.

انسان با اندیشیدن، نه تنها به اثبات خود متمایز خویش می پردازد، بلکه آن را نیز تعریف می کند، زیرا اندیشیدن، فراخوان خود است. از این رو انسان با اندیشیدن هستی خویش را شکل میدهد. همچنین این اندیشه بنا به ضرورت داشتن سعه صدر در برابر دیگران، انسانیت فرد را ارتقا میبخشد.

به باور (تیندر)، انسان با آزادی و محدودیتش، موجودی اندیشمند است. از این رو، کسی که می آموزد اگر با وضوح و عزم ذهنی باز در پرسشها تعمق کند، چیزی به دست خواهد آورد. که قابل تاویل به دانش (صرف) نیست؛ یعنی خرد و تمایل به شکاکیتی که شایسته انسان است.

به گفته او، در پاسخ به مجموعه ای از پرسشها، یک اندیشه شکل می گیرد.

بیگانگی و یگانگی

تیندر در نخستین مرحله می گوید اگر بیگانگی انسان ها، اعم از تنهایی خموشانه یا جدال فعالانه نبود، اندیشه سیاسی تحقق نمی یافت. تنها پس از آسیب پذیری و ویرانی روابط انسانی است که ما به پرسیدن درباره نیروها و معیارهای اصل حاکم بر این روابط ناگزیر می شویم. از این رو شگرف ترین دستاوردهای اندیشه سیاسی، بیشتر واکنش هایی در برابر پریشانی های اجتماعی بوده است.

۱. اساسی ترین پرسش درباره بیگانگی آن است که آیا انسانها ذاتاً از هم بیگانه اند؟

هیچ فیلسوفی به اصراحت (هابز) به این بحث که انسانها به طور ذاتی از هم بیگانه اند، نپرداخته است. بر اساس استدلال هابز، وضعیت ذاتی انسانها، جنگ همه انسانها بر ضد همه انسانهاست.

از دیدگاه هابز، انسانها اشیای مادی هستند، وی به طور منطقی نتیجه میگیرد که آنان تنها با قدرت حکومت مطلق میتوانند به یگانگی برسند. از سوی دیگر، بسیاری از اندیشمندان معتقدند که انسانها یگانه اند. از نظر ارسطو، انسان دقیقاً مانند برگی که به اقتضای ژرفای طبیعی اش، بخشی از درخت است، کاملاً و به ناگزیر، عضوی از شهر است. ص ۱۵

۲. اکنون این پرسش مطرح می شود که اگر انسانها از هم بیگانه نیستند، تفرقه و ناسازگاری میان آنها را چگونه می توان توضیح داد؟

(آگوستین) در پاسخ به این پرسش می گوید: آنچه پیش آمده، این است که انسان به جوهر انسانی خود خیانت کرده است. این خیانت چیزی است که آگوستین و دیگر مسیحیان آن را گناه می نامند.

۳. با کدام قابلیت انسان، می توان انسانها را یگانه کرد؟

به باور هابز، انسانها ذاتاً بیگانه اند، ولی بی گمان عقل می تواند به گونه ای هماهنگی منافع فردی را در جامعه پدید آورد. در مقابل، همه کسانی که از عقل با عنوان ابزاری خوب برای یگانگی نام میبرند، ادموند برک آشکارا به جای عقل، از تعصب دفاع کرد. او به جای عقل، به رسوم و سنتها؛ یعنی تعصب که ملکه ذهن انسانهاست، اعتماد داشت. به نظر برک، انسانها بسیار پیچیده تر از آن هستند که در عقل بگنجند.

۴. آیا انسانها برای چیرگی بر تعارض و تفرقه خویش به خداوند نیاز مندند؟

در پاسخ به این پرسش می توان سه نگرش کلی را مشخص کرد:

۱- انسان گرایی به نفس انسان متجدد معاصر مطمئن است که بیشتر با الحاد یا اداری گری و بدگمانی به دین همراه است.

۲- دومین نگرش کلی، مفهوم هلنی وابستگی هستی اجتماعی بر مبنای دین است. در این رویکرد، خداوند وجودی غیرفعال و موجود است و انسان، فاعلیت دارد.

۳- از نظر طرفداران نگرش سوم، یعنی مسیحیت اصیل، این خداوند است که فاعلیت دارد.

نابرابری و برابری

تیندر چندین پرسش در این رابطه مطرح کرده است :

- ۱- آیا در زیر تمام نابرابری های تشکیل یافته در نظم اجتماعی و سیاسی ، انسان ها واقعا به اقتضای طبیعت و نه بر اثر عرف و عادت نابرابرند؟
- ۲- اگر برخی از انسان ها ذاتا از دیگران برترند ، چه کسی یا چه نشانه هایی می تواند آنان را بشناسد ؟ اقلیت ممتاز را باچه نشانه هایی می توان شناخت؟
- ۳- اگر انسان ها ذاتا نابرابرند، آیا تمام نابرابری های معمول مانند ثروت و منزلت اجتماعی ناعادلانه است؟

قدرت

تیندر می گویداز آنجاکه انسان ها بیگانه اند، برای تحقق نظم، قدرت ضروری به نظر میرسد چون انسان ها نابرابرند، قدرت به عنوان راهکاری که در آن، فضیلت ها یا اقلیت می تواند به سود همگان باشد، توجیه پذیر است.

۱ آیا در میان انسان ها ، نظم دیگری جز آنچه با قدرت ، ایجاد و ماندگار می شود ، وجود دارد ؟ آیا قدرت به واقع، لازم است؟ برای پاسخ به این پرسش سه نظریه وجود دارد :

- ۱- انسان ها خوبند و به تبع آن، نظم، پدیده ای خود به خود است. به باور (جان لاک) ، انسان ها برای ایجاد نظم به قدرت نیاز ندارند، بلکه قدرت را تنها برای چیرگی بر برخی کاستی های نظمی لازم دارند که بنا بر سرشت شان خواهان آنند .
- ۲- نظم، بستگی تامی به قدرت ندارد. اصل، هماهنگی ذاتی است، این دیدگاه، نظریه عالمان اقتصاد کلاسیک است. آنان معتقد بودند اگر دولت ها تنها شرایط اصلی اقتصادی افراد همچون امنیت ، مالکیت و ثبات پولی را فراهم آورند ، به طور طبیعی ، نظم اجتماعی نیز پدید خواهد آمد.
- ۳- سرانجام بسیاری از اندیشمندان ، نظم را اساسا به عادت، رسم و سنت وابسته می دانند . به باور آنها، مردم در طول نسل ها، خود به خود برای زندگی نظمی ساخته اند که هم به سبب عادت و هم به دلیل احترام به شیوه های کهن تداوم یافته است..

آنارشسیسم، نمونه ای از نظریه هایی است که نیکی را به جای قدرت نشانند. معمولا گفته می شود نظم را با تلفیق برخی از این نیروها و البته با قدرت سنجیده انسانی می توان به دست آورد. این نظر زیربنای دولت لیبرال نوین است. در برابر آنارشسیسم و لیبرالیسم، نظریه دیگری میگوید انسان به گونه ای علاج ناپذیر نظم ستیز است و به جز قدرت، تمام منابع نظم، همچنان نامؤثر است. این نظریه در میان اصحاب کلیسا و روحانیان قدیم با تأکید شان بر گناه نخستین رایج بود. ماکیاولی مشهورترین نماینده این نظریه بود.

۲ آیا تصرف قدرت و بهره مندی از آن خوب است؟

ارسطو، انسان را موجودی سیاسی می داند، یعنی انسان از راه فعالیت سیاسی ، قابلیت های بیکران انسانی خویش را در می یابد.

دیگر اندیشمند بزرگ دوران باستان، اپیکور رویکردی کاملا متفاوت دارد. دیدگاه او در عبارت "مگ نام زندگی کن" به اختصار بیان شده است.

دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که می گوید شاید قدرت از نظر اخلاقی یا اجتماعی سودمند نباشد ، ولی از نظر موقعیتی که برای فرد ستمگر و بی عاطفه فراهم می آورد ، آشکارا ارزشمند است.

۳. چرا بایداز دیگران اطاعت کنیم؟ (یعنی چرا باید به قدرت دیگران تن دهیم؟)

در پاسخ به این پرسش، دو نظریه مطرح است: الف) نظریه رضایت؛ ب) نظریه اراده عمومی.

۴. قدرت را به چه کسی باید واگذار کرد؟

هابز، فیلسوف انگلیسی، به بزرگان و نجیب زادگان اعتقادی نداشت. از نظر هابز اینکه چه کسی حکومت کند ، چندان اهمیتی ندارد . ازسوی دیگر، آنارشسیست ها معتقدند قدرت در هیچ شرایطی نباید به کسی واگذار شود. ارسطو، بهترین راه حکومت را اداره آن از سوی اقلیت متوسط می داند.

محدوبیت های قدرت : بر دو گونه اند : اخلاقی و قانونی

آیا کاربرد شر برای دولت ها به منظور تحقق خیر موجه است؟

به باور (ماکیاولی) ،چنین کاری توجیه پذیر است. به نظر او، کاربرد اثرگذار قدرت با رعایت دقیق قانون اخلاقی، ناسازگار است.

آیا باید در جامعه تنها یک مرکز اساسی قدرت وجود داشته باشد؟

از نظر افلاطون، قدرت کاملاً متمرکز، تهدیدی برای حیات متعالی و تمدن ساز است. همچنین بر اساس «دکترین دو شمشیر» مسیحیت، نباید تمام قدرت را به دست یک نفر سپرد؛ حتی اگر چنین فردی پاپ باشد. از سویی، افرادی مانند هایز و روسو، هر نوع تقسیم قدرت را به منزله دعوت به هرج و مرج می دانند.

هدف های قدرت

تا فردی درباره هدف زندگی تصور کلی نداشته نداشته باشد ، نمی تواند درباره وظایف دولت اظهار نظر کند. برخی مانند (سارتر) گفته اند زندگی انسان هیچ هدفی ندارد.

فصل دوم: زندگی نامه

اشاره

در بیان زندگی نامه آیت الله خامنه ای، نخست به اختصار به ولادت، دوران کودکی، تحصیلات، تدریس ، استادان ایشان و عزیمت شان به نجف اشاره می کنیم و سپس به زندگی نامه سیاسی، فعالیت ها و اقدام های سیاسی ایشان می پردازیم.

ولادت

آیت الله سیدعلی حسینی خامنه ای، در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در شهر مقدس مشهد پا به عرصه وجود گذاشت. خانواده وی از روحانیان سرشناس به شمار می آمد. پدرش، آیت الله حاج سیدجوادی، از مجتهدان مشهور مشهد بود. جد ایشان، آیت الله سیدحسین خامنه ای از عالمان آذربایجان مقیم نجف بود. مادر ایشان، دختر آقا سید هاشم نجف آبادی (میردامادی) است که از عالمان معروف مشهد بود. وی زنی پاکدامن و آشنا به مسائل اسلامی و آراسته به اخلاق الهی است.

دوران کودکی

دوران کودکی ایشان، با تربیت پدری بسیار مراقب، ولی مهربان و دوست داشتنی و مادری مهربان، با شرایطی سخت و با تنگ دستی همراه بود. ص ۲۱ آیت الله خامنه ای در این باره میفرماید : کودکی من مصادف با ایام جنگ بود. با اینکه مشهد در کرانه جنگ واقع بود و همه چیز نسبت به شهرهای دیگر کشور در آن ارزان و فراوان بود. منزل پدری من که در آن متولد شده ام (تا ۴_۵ سالگی من) یک خانه حدود ۶۰_۷۰ متری در محله ای فقیرنشین در مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه. ص ۲۲

تحصیلات

ایشان، تصدیق ششم را دور از چشم پدر و با رفتن به کلاس شبانه دریافت کرد و سپس مخفیانه در کلاس های دبیرستان نام نویسی کرد و دوره متوسطه را دوسال به صورت جهشی خواند و دیپلم گرفت. در همان مدرسه ادبیات عرب را آغاز کرد، شرایع را در محضر پدر فرا گرفت.

تدریس

آیت الله خامنه ای ، تدریس را از نخستین روزهای طلبگی رسمی یعنی بی درنگ پس از پایان دوران دبستان شروع کرد و نخستین تدریس ایشان، کتاب (امثله یاصرف میر) بود که برای دو شاگرد بزرگسال از روضه خوان های مشهد تدریس فرمود. در قم نیز درس هایی را که می خواند ، تدریس می فرمود. پس از برگشتن از قم به مشهد تدریس از برنامه های اصلی ایشان بود و در طول این سالها تفسیر و عقاید سطوح عالی (مکاسب و کفایه) تدریس میکرد و هم اکنون نیز درس خارج ایشان، کانون گرمی برای طالبان علوم اهل بیت علیهم السلام است.

استادان

ایشان درس های سطح را نزد استادانی چون : (آقای علوی)، (آقای مسعود، پدر بزرگوارشان)، (آقامیرزا احمد مدرس یزدی)، (آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی) به مدت پنج سال و نیم خواند. درس خارج را نیز نزد استادانی همچون : (آیت الله العظمی میلانی)، (آیت الله شیخ هاشم قزوینی) و فلسفه را نزد (آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی) خواند.

عزیمت به نجف و قم

ایشان پس از درک محضر استادان بزرگوار ایران، به نجف اشرف رفت و در درس های مجتهدان بزرگی چون : (حکیم)، (خوبی)، (شاهرودی)، (آقامیرزا زنجانی)، (میرزا حسن یزدی) و (آقا سید یحیی یزدی) شرکت کرد.

مبارزات پیش از انقلاب

اشاره: آیت الله خامنه ای، مجاهدی شجاع و باتقواست که درسراسر زندگی پر برکتش همواره درجهاد الهی بوده است. به ویژه پس از سال ۱۳۴۱ که امام بزرگوار، نهضت عظیم اسلامی را به راه انداخت، لحظه ای از تلاش و جهاد باز نمانده است.

خود ایشان در این باره میفرماید: «در ارتباط با ورود مبارزه و مسائل سیاسی، سالهای ۳۱-۳۲ بود که شنیدم مرحوم نواب صفوی آمدند به مشهد که در این ارتباط یک جاذبه پنهانی مرا به طرف مرحوم نواب میکشاند و خیلی علاقه مند شدم نواب را ببینم.

وقتی ایشان با عده ای از فداییان اسلام که کلاه پوست مخصوص به سر داشتند، وارد مدرسه شد، به هیئت ایستاده و باشعار کوبنده به سخنرانی پرداخت. محتوای سخنرانی اش این بود که بایداسلام زنده شود و اسلام حکومت کند. من که برای اولین بار این حرف ها از زبان مرحوم نواب به گوشم میخورد، آنچنان حرف هایش در دل نشست که دوست داشتم همیشه با او باشم.

بعد از آن، مرحوم نواب از مشهد رفتند. ما دیگر از او خبر نداشتیم تا اینکه خبرشهادتش به مشهد رسید و وقتی خبرشهادت ایشان به مشهد آمد، ماها از روی خشم و غضب منقلب شده بودیم.

نکته قابل توجه ایناست که آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد تنها روحانی ای بود که بر اساس همان آزادگی و بزرگ منشی اش، در مقابل شهادت مرحوم نواب عکسالعمل نشان داد و در مجلس درس از شهادت مرحوم نواب صفوی و یارانش به وسیله دستگاه حاکم انتقاد شدید کرد و تأثرخودش را از شهادت آنها ابراز داشت.

الف) پیشاهنگی مبارزه درمشهد

این مجاهد شجاع و خستگی ناپذیر، سراسر زندگی پر برکت خود را در جهاد و دفاع از حریم مقدس اسلام و انقلاب گذرانده است. و سختی های زندگی، هرگز مانعی برای خدمت خالصانه او در راه اعتلای کلمه الله نبوده است.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالرضا ایزد پناه که افتخارشاگردی چندین ساله آیت الله خامنه ای را دارد، درباره فعالیت های انقلابی معظم له در زمان طاغوت میگوید: آیت الله خامنه ای به جهاد و مخالفت علیه طاغوت شهره شهر (مشهد) بود. اطرافیان و مریدانش، سیدجمال را درسیمای او میدیدند. در دانشگاه و بین روشنفکران، افتخارحوزه ها بود و درحوزه علمیه، بیدارگر و احیاگری غریب. وقتی به آن سال ها برمیگردم و چهره او را در ذهنم میآورم، گویا شیرینی بود در ففس؛ خشمی مقدس علیه طاغوت زمان. با تمام فشارها و محدودیت هایی که ساواک مشهد بر او وارد کرد، نتوانست او را باز دارد.

ایجاد تشکیلات انقلابی در مشهد

ایشان پس از آزادی نیز همچون گذشته به فعالیت های خویش ادامه داد و هر بار پرشورتر از پیش، در راه رسیدن به هدف های الهی خویش می کوشید. از این رو، همراه با دوستانش، در ایجاد وحدت و یک پارچگی قیام مردمی می کوشید، زیرا به خوبی می دانست که وحدت و یک سویی و پیروی از امام امت، به فروپاشی حتمی و نزدیک رژیم خواهد انجامید. از همین رو، درشهر مقدس مشهد، هسته اولیه تشکیلی اسلامی را با رهبری امام امت و مدیریت جمعی از روحانیان متعهد پایه ریزی کرد: ص ۳۰

تبعید به ایران شهر

با شدت گرفتن حرکت انقلاب اسلامی در سال، ۱۳۵۶ رژیم پهلوی به فشار آوردن بر مبارزان مسلمان شدت بخشید و آنان را روانه زندان تبعیدگاه کرد. ازاین رو، آیت الله خامنه ای را نیزکه محور اصلی راه پیمایی های استان خراسان بود، دستگیر و به ایران شهر (درجنوب شرقی ایران) تبعیدکرد.

در آن سال که جاری شدن سیل سبب بی خانمان شدن و خسارت دیدن بسیاری شده بود، ایشان با استفاده از تجربه (حضور در فردوس و گناباد)، گروهی ازطلاب و روحانیان را بسیج کرد و به کمک مردم شتافت.

مسئولیت های پس از انقلاب

آیت الله خامنه ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز لحظه ای از تلاش و حمایت از انقلاب باز نایستاد و در تمام صحنه ها، درکنار دوستان متعهد خویش حضوری چشمگیر داشت و در این راه، بارها تا مرز شهادت پیشرفت. در این دوران سرنوشت ساز، مسئولیت های فراوان و دشواری را به عهده گرفت.

گوشه ای از مسئولیت ها و خدمت های خالصانه ایشان عبارت اند از :

۱_ شورای انقلاب اسلامی

۲_ کمیته استقبال از امام خمینی

۳_ ماموریت به سیستان و بلوچستان

۴_ نماینده شورای انقلاب در وزارت دفاع

۵_ سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۶_ رسیدگی به امور دانشجویان

۷_ امامت جمعه تهران

۸_ مشاور امام

۹_ نماینده مجلس شورای اسلامی

۱۰_ ریاست جمهوری

۱۱_ رهبر انقلاب اسلامی

کمیته استقبال از امام

وقتی امام به کشور بازگشت، کمیته های گوناگون در مدرسه رفاه و علوی تشکیل شد یا اگر پیش تر تشکیل شده بود، به کار خود با جدیت بیشتر ادامه داد. د. آیت الله خامنه ای، مسئولیت تبلیغات دفتر امام را به دوش گرفت و این بخش از کار را که بسیار پرزحمت بود، به خوبی اداره کرد. پس از بازگشت رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمه الله و خارج شدن کشور از دست دولت، کمونیست ها که تحت حمایت ابرقدرت شرق (شوروی سابق) قرار داشتند و با رژیم پهلوی مخالفت می کردند، به فکر استفاده از فرصت و سازمان دهی عناصر خویش افتادند تا بتوانند به اصطلاح، انقلاب دموکراتیک خلقی ایجاد کنند. از این رو، در کارخانه جنرال موتور (درجاده تهران - کرج) اجتماع کردند تا در فرصتی مناسب، باحمله به مراکز حساس پایتخت و اشغال آن ها، حکومت کمونیستی برقرار کنند. خبر اجتماع آنان به دفتر حضرت امام رسید و عده ای از روحانیان به آن جا رهسپار شدند تا آنان را نصیحت و راهنمایی کنند، ولی نتیجه ای به دنبال نداشت. به همین دلیل، در روز بیستم بهمن که خطر جنگ داخلی از سوی آنان شدت گرفت، آیت الله خامنه ای به آنجا رفت و پس از سخنرانی، به پرسش های آنان پاسخ داد.

پاسخ های قاطعانه و شجاعانه ایشان سبب شد که آنان با دست زدن و فریاد کشیدن و قطع کردن برق کارخانه، رسوایی خویش را جار زنند، ولی با درایت معظم اعلان نماز جماعت در حیطه کارخانه، کارگران مسلمان در صف نماز جماعت گرد آمدند و ماهیت پلید فرصت طلبان برای آنان افشا شد. از این رو، همان کارگران، منصرفان کمونیست را با کتک از کارخانه بیرون کردند و خطری که نزدیک بود فرصت تجدید نفسی را به رژیم پوسیده ستم شاهی دهد، با هشجاری آیت الله خامنه ای خنثی شد. بتوانند به اصطلاح، انقلاب دموکراتیک خلقی ایجاد کنند.

ماموریت در سیستان و بلوچستان

مقام معظم رهبری در فروردین سال ۱۳۵۸ در کنار عضویت در شورای انقلاب، از سوی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمه الله مأمور رسیدگی به اغتشاش های ضدانقلاب و خان های وابسته در استان سیستان و بلوچستان شد.

با تدبیر و دوراندیشی معظم له، توطئه جدایی این استان از دامن میهن اسلامی نیز که هم زمان با زمزمه هایش و مخودمختاری کردستان مطرح میشد، بی اثر گردید

سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۵۸ با وجود مشکلاتی که در مشاغل و مسئولیت های گوناگون داشت، بنا بر وظیفه، سرپرستی اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پذیرفت و با تلاش بی وقفه خویش و دیگر افراد در این بنیان نوپا، شالوده ای بنا نهادند که همواره مایه افتخار انقلاب اسلامی ایران خواهد ماند.

رسیدگی به امور دانشجویان

رهبر انقلاب اسلامی، از اندک افرادی است که در تمام عرصه های سیاسی، فرهنگی، نظامی پا به میدان نهاده و از آن سربلند بیرون آمده است. توانایی و قدرت فکری آیت الله خامنه ای و فهم بالای ایشان از معارف اسلامی به گونه ای آشکار بود که پس از شهادت شهید مطهری، حضرت امام رحمه الله ایشان را برای حل مسائل دانشجویان پیشنهاد کرد.

امام جمعه تهران

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله با شناخت کامل خویش از پیشینه درخشان مقام معظم رهبری در میدان های مبارزه با دشمنان در صحنه های علم و عمل، در حکمی، ایشان را به امامت جمعه تهران گماشت. نماز جمعه تهران، فرصتی بود تا اذهان تشنه مردم، از سرچشمه زلال معارف اسلامی - قرآنی، سیراب و از وجود پر برکت این مجاهد نستوه، بهره مند شوند.

مشاور امام

در سال ۱۳۵۹ با اوج گیری توطئه گروهک های ضدانقلاب در ارتش و آغاز اغتشاش های مرزی از سوی رژیم بعثی عراق، امام امت رحمه الله، آیت الله خامنه ای را به سمت مشاور تام الاختیار خویش در شورای عالی دفاع برگزید و به ایشان مسئولیت داد به بررسی کامل رویدادهای داخلی و اوضاع ارتش پردازد و هر هفته، گزارش این بررسی ها را به اطلاعاتشان برساند.

نماینده مجلس شورای اسلامی

با شروع انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی، آیت الله خامنه ای، نامزد نمایندگی مجلس از تهران شد و با اکثریت آرای مردمی در دوره اولیه مجلس راه یافت. در این دوره، افشاگریها و سخنان آتشین ایشان، زمینه های رسوایی خائن و وطن فروشان را فراهم ساخت؛ چنانکه در پنجم تیرماه سال ۱۳۶۰ با نطق شجاعانه و صریح خویش، از خیانت های بنیصدر و منافقان پرده برداشت و زمینه های عزل او را از ریاست جمهوری فراهم ساخت. ولی منافقان کوردل که دیگر دست یابی به قدرت را محال میدیدند، دست به ترور شخصیت های مهم کشور زدند. از اینرو، در روز ششم تیر (یک روز پس از نطق مهم ایشان)، آیت الله خامنه ای در حال سخنرانی در مسجد ابوذر تهران، مورد سوء قصد ناجوانمردانه منافقان قرار گرفت و از ناحیه دست و سینه به شدت مجروح شد.

فصل سوم: بیگانگی و یگانگی

اشاره

آنچه تیندر در چارچوب نظری به عنوان نخستین پرسش مطرح کرد، بحث بیگانگی و یگانگی انسان بود. و با طرح این پرسش، می کوشد نخست از جایگاه انسان در اجتماع خود آگاه شود. پرسشی که وی در این زمینه مطرح می کند این است: «آیا انسان ها ذاتاً از هم بیگانه اند؟»

تیندر در نخستین مرحله می گوید اگر بیگانگی انسان ها اعم از تنهایی خموشانه یا جدال فعالانه نبود، اندیشه سیاسی تحقق نمی یافت. تنها پس از آسیب دیدن روابط انسانی است که ناگزیر می شویم درباره نیروها و معیارهای اصلی حاکم بر این روابط به بحث بپردازیم.

پاکیزگی سرشت انسان

در پاسخ به پرسش بالا از نظر آیت الله خامنه ای، باید گفت از آنجاکه ایشان به عنوان اندیشمندی مسلمان و اسلام شناس مطرح است، اندیشه معظم له را باید برخاسته از اسلام ناب محمدی دانست. از این رو، چنانکه بر اساس آموزه های اسلامی، انسان دارای سرشتی مطهر است و انسانها به طور فطری پاک آفریده شده اند، ایشان نیز بر همین اعتقاد است:

در پیش اسلام که اساساً نظام تربیتی ما به آن بینش استوار است، انسان اینطور معرفی شده که (هر بنی آدمی بر اساس سرشت انسانی، مطهر و پاکیزه متولد می شود). ولی عوامل داخل خانواده و داخل اجتماع و عوامل خارجی هستند که او را دگرگون می کنند.

فطرت حق پذیری انسان

آیت الله خامنه ای بر آن است که فطرت انسانی، حق پذیر است و نوع انسان همانگونه که موجودی رو به رشد و تکامل است، حق پذیر هم است. نوع انسان همانطور که موجود رو به رشد و تکامل است، حق پذیر هم است. بنابراین، در جوامع انسانی آنچه را از صنعت و تکنولوژی پیچیده و پیشرفته و توفیق های فراوان در زمینه های گوناگون مشاهده می شود، نشانه های شکوفایی استعداد های انسانی است. اما اگر جهت همه این پیشرفت ها به سمت مادی گرایی و کم رنگ شدن ارزش های والای

انسانی و فراموشی حقیقت است، اینکار آن محافل شبکه های سلطه گر و دستگاه هایی است که سعی میکنند حرکت عمومی انسانها را به سمت ناخوشایند و غلط سوق بدهند. پس با این تحلیل که یک دید اسلامی و قرآنی و مبتنی بر خوش بینی انسان و فطرت انسانی است، رفتن به سمت انسان هایی که در آن جوامع زندگی می کنند، چندان دشوار و غیر منطقی نخواهد بود.

تأثیر جهان بینی در تشکیل شخصیت انسان

با توجه به آنچه در اندیشه آیت الله خامنه ای درباره سرشت انسان مطرح شد، ایشان معتقد است جهان بینی نیز در تشکیل شخصیت انسان مؤثر است و هر فرد بر مبنای جهان بینی ویژه اش، رفتار مشخصی را از خود نشان می دهد:

شخصیت هر انسانی، غیر از عوامل و عناصری است که وجود خارجی و ظاهری او را تشکیل می دهد. مقدمات دیگری نیز دارد که نسبت به آن عناصر و عوامل، جنبه و زیربنایی دارد. همه جهان بینی ها نمیتوانند انسانی مانند امام رحمه الله تربیت کنند. آن کسی که به خدا، قیامت، حضور در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل معتقد است، در دنیا به گونه ای عمل می کند کسی که فاقد این جهان بینی است، طور دیگر رفتار میکند. پس جهان بینی هر انسانی در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد.

تأثیر هدف ها و آرمان ها در تشکیل شخصیت انسانی

به باور آیت الله خامنه ای، افزون بر اثرگذاری جهان بینی در تشکیل شخصیت انسان، هدف ها و آرمان ها نیز در تشکیل شخصیت آدمی مؤثر است. بر همین اساس، هدف ها و آرمان ها و اندیشه های انسان درباره زندگی، جامعه، آینده و وظایف بشری، عناصر سازنده شخصیت انسان است.

عوامل تفرقه و تعارض میان انسان ها

اگر انسان ها از هم بیگانه نیستند، تفرقه و تعارض میان آنان چگونه قابل توضیح است؟

این پرسش، از پرسشهای فرعی آقای تیندر است که ذیل مبحث یگانگی و بیگانگی مطرح میشود. تیندر میگوید: اگر انسانها در واقع از هم بیگانه نیستند، پس چگونه اینهمه تفرقه و تعارض درجهان رخ میدهد و چگونه این رخدادها توجیه پذیر است.

پیش تر بیان شد که آیت الله خامنه ای، بر اساس اندیشه اسلامی اعتقاد دارد که سرشت انسانها پاکیزه است. از این رو، انسان به طور فطری پاک آفریده شده است. از دیدگاه ایشان، عواملی در تفرقه و تعارض میان انسان ها پس از آفرینش اثر گذارند که عبارت اند از:

۱- نفس آدمی؛ سرچشمه خوبی ها و بدی ها، خانواده، اجتماع و عوامل خارجی، رواج فساد، عامل فلج کننده انسان

الف) نفس آدمی؛ سرچشمه خوبی ها و بدی ها

از دیدگاه آیت الله خامنه ای، یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر رفتار انسان ها، نفس انسان است: در وجود ما، هم سرچشمه همه شرارت ها وجود دارد که همان نفس ماست که از همه بت ها خطرناکتر، بت نفس و خودخواهی ماست و هم سرچشمه همه خیرات و زیبایی ها و کمالات. اگر بتوانیم و همت کنیم خود مان را از نگاه نفس اماره به سوء و شهوات نفسانی نجات بدهیم، سرچشمه خیرات بر روی ماگشوده خواهد شد.

ب) خانواده، اجتماع و عوامل خارجی

از دیدگاه آیت الله خامنه ای، خانواده، اجتماع و عوامل خارجی از جمله عوامل اولیه ای هستند که بر فطرت پاک انسانها اثر مستقیم دارند و هر فرد با توجه به نوع خانواده، اجتماع و عوامل خارجی مؤثر بر شخص، پرورش خاصی خواهد دید و بر آن اساس، رفتار ویژه ای از خود در اجتماع نشان می دهد.

ج) رواج فساد، عامل فلج کننده انسان

یکی دیگر از عواملی که سبب تعارض و تفرقه در جامعه می شود، بحث آسایش طلبی، فردگرایی، خودخواهی و زیاده خواهی در امور زندگی و امور اقتصادی است که انسان ها را فلج می کند:

پایه تمام فسادها و مایه انحراف و لغزش همه جوامع، طبق نظر قرآن «ترف» است. فساد از نظر کیفیت در میان اشراف بسیار زیادتر، پرخرج تر و پر زرق و برق تر است، اما قربانی فساد هایی که ان ها به جامعه تزریق می کنند، بیشتر در میان همین محرومین است.

راههای کاهش تعارض

پرسش دیگری که در این مرحله مطرح می‌شود، این است که با کدام قابلیت انسان می‌توان آنها را یگانه کرد؟

به باور همه اندیشمندان غربی، قابلیت در وجود انسان هست که با آن می‌توان ناسازگاری را تعدیل کرد یا از میان برد و این قابلیت، همان (عقل) است

بر اساس دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، از راه‌های گوناگون می‌توان تعارض‌ها و اختلاف‌های میان انسان‌ها را کاهش داد:

۱- اصلاح نفس انسان - معنویت عامل رشد جوامع

اصلاح نفس انسان

به باور ایشان، بایقدرت معنوی انسانی را که خداوند در انسان به ودیعه نهاده است، از میان خواهش‌های نفسانی، خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها رهایی بخشید و آن‌را نیرومند ساخت. نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح (نفس انسانی) است.

نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. همه چیز از اینجا شروع میشود.

معنویت، عامل رشد جوامع انسانی

اساس آموزه‌های دینی، یکی از مهمترین عوامل رشد جوامع انسانی، (معنویت‌گرایی) جوامع بشری است. بر این اساس، هر چه انسان‌ها به معنویت و خدا‌گرایی بیشتری داشته باشند، آن جوامع در مقایسه با جوامع غیردینی، استواری بیشتری خواهند داشت. بر همین اساس، در اندیشه آیت الله خامنه‌ای عامل معنویت به چند بخش مطرح می‌شود:

۱- عبادت، عامل حیات

۲- جامعه با تقوا

۳- جامعه سرشار از مهر

۴- سلامت محیط

۵- همکاری و همدردی

۶- اراستگی فضای زندگی

عبادت، عاملی حیات

از نظر ایشان، ایمان، تقوا، توجه به خدا، گریه، شوق و محبت در محراب، دعا، ذکر و نیایش و استغفار مایه حیات دل‌هاست.

جامعه با تقوا

جامعه‌ای که در راه تقوا حرکت کند، در آن جامعه، فضای زندگی سالم و محبت‌آمیز همراه با همکاری میان آحاد جامعه است. جامعه‌ای که راه خدا را با دقت انتخاب می‌کند نیز در آن راه حرکت می‌کند. جامعه‌ای که در راه تقوا حرکت می‌کند، فضای زندگی آن جامعه، فضای سالم و محبت‌آمیز همراه با تعاون و همکاری آحاد جامعه است.

جامعه سرشار از مهر

در دین مبین اسلام بر نقش مهر و محبت در خانواده و جامعه تأکید فراوانی شده است. یکی از عوامل مؤثر در از میان بردن تعارض‌ها و ایجاد فضای صمیمی در اجتماع ص ۵۰، بحث مهر و محبت است.

سلامت محیط پرورش ادم

سلامت محیط پرورش آدمی به معنای آن است که بشر با خدای خود، با درون خود، با هموعان خود و با طبیعت پیرامون خود، با صلح و سلامت رفتار کند. صلح به این معنای عام، یکی از بزرگترین نیازهای بشر برای رشد و تعالی و رستگاری است. این صلح، باید برخاسته از ایمان و اندیشه باشد

همکاری و همدردی

یکی از راه‌های زدودن تعارض‌ها و تفرقه‌ها در سطح کلان و خارج از محدوده یک کشور، ایجاد فضای

همکاری و همدردی با جوامع دیگر است. همکاری و همدردی و دلسوزی و محبت متقابل بین مسلمان‌ها، یکی از کارهای بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود.

اراستگی فضای زندگی با ارزش‌های اسلامی

از آنجاکه جامعه ما، جامعه ای اسلامی و روح حاکم بر قوانین جامعه ما قوانین اسلامی است، فضای جامعه باید با ارزش های اسلامی آمیخته باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای آنکه ارزش ها و اخلاق اسلامی کاملاً در جامعه ما جا بیفتد و با روح و عقاید و زندگی مردم مخلوط و مزوج شود، فضایی زندگی را با ارزش های اسلامی آغشته می کرد. پرسش دیگری که تیندر در بحث بیگانگی مطرح می کند، این است که آیا انسان ها برای غلبه بر تعارض و تفرقه خویش به خداوند نیاز دارند؟ در این زمینه، سه نظریه مطرح است:

- ۱_ انسان گرایی مطمئن به نفس انسان متجدد معاصر که اغلب با الحاد یا لاداری گری و بدگمانی درباره دین همراه است.
- ۲_ مفهوم هلنی وابستگی هستی اجتماعی، بر مبنای دین است. در این رویکرد خداوند وجودی غیرفعال و صرفاً موجود است و این انسان است که فاعلیت دارد.
- ۳_ از نظر طرف داران نگرش سوم، یعنی مسیحیت اصیل، این خداوند است که دارای فاعلیت است.

دین، منبع نیاز های اصلی انسان

از نظر آیت الله خامنه ای، انسان برای فراهم ساختن نیازهای اصلی خود بی گمان به دین نیاز دارد. نیازهای اصلی انسان یک چیز است. انسان امنیت می خواهد، آزادی می خواهد، معرفت می خواهد، زندگی راحت می خواهد. از تبعیض گریزان است، از ظلم گریزان است. نیازهای متبادر زمانی، چیزهایی است که در چارچوب اینها و زیرسایه اینها ممکن است تأمین بشود. این نیازهای اصلی، فقط به برکت دین خداست که تأمین میشود و لا غیر. هیچکدام از ایسم های جهانی، از این مکتب های بشری، از این اسم های پر زرق و برق، نمیتوانند بشر را نجات بدهند..

فصل چهارم: نابرابری و برابری

اشاره

تیندر می پرسد آیا در زیر تمام نابرابری های سازمان یافته در نظم اجتماعی و سیاسی، انسان ها در واقع، به اقتضای طبیعت و نه تنها بر اثر عادت نابرابرند یا اینکه، انسان ها ذاتاً نابرابرند؟

به باور آیت الله خامنه ای، برخورداری های متفاوت و متمایز اجتماعی و وجود طبقه هایی ممتاز در کنار طبقات مردم، ستم بزرگی در تاریخ بشر است. بر این اساس، زیربنای اعتقادی این وضعیت ظالمانه گاه به این صورت بوده است که خدایان گوناگون که آفرینش و تدبیر مردمان را در دست دارند، هر طبقه ای را با مزیت ها و حقوقی ویژه پدید آورده اند. گاهی نیز این باور ظالمانه به صورت های دیگری در زندگانی بشر وجود داشته است. بنابراین، اساس برخورداری های اختصاصی طبقه های بالا دست، موهبتی طبیعی و محرومیت های طبقه های پایین دست نیز ضرورتی فطری پنداشته شده است.

آموزه های الهی و توحیدی، ریشه های اختلاف طبقاتی را از ذهن انسان ها و از متن اجتماع آنان، بیرون می کشند. برخی ازین آموزه ها که در قرآن کریم آمده است عبارت اند از:

۱_ خالق، معبود و مدبر امور همگان خداست.

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَلَا تَذَكَّرُونَ.

بگو: زمین و هر که در آن است از آن کیست، اگر می دانید؟ خواهند گفت از آن خدا. بگو، پس چرا به خود نمی آید.

۲_ هیچکس در آفرینش، از مزیتی که خاستگاه برخورداری های حقوقی باشد، بهره مند نیست،

۳_ همه مزیت ها در اختیار همگان و وابسته به تلاش های پیگیر و مجاهدت های هر انسانی است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

ای انسانها! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه ها و قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به یقین، گرامی ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست. به یقین، خدا دانا و آگاه است.

از این رو، به اعتقاد آیت الله خامنه ای، بر اساس آموزه های دین مبین اسلام و آیات قرآن کریم، انسان ها برابر آفریده شده اند و هیچ فردی بر دیگری برتری ذاتی ندارد. ای انسان ها! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه ها و قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به یقین، گرمی ترین شما نزد خدا، باتقوا ترین شماست. به یقین، خدا دانا و آگاه است. ص ۵۵

برابری افراد در برابر قانون

حضرت امام خامنه ای می گوید در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه در برابر قانون و در بهره مندی از امکانات خدادادی یکسان و در برخورداری از موهبت های حیاتی متعادل باشند: در نظام اسلامی، باید همه افراد جامعه در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی یکسان و در بهره مندی از مواهب حیات متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند.

دفاع از محرومان در برابر قدرتمندان

آیت الله خامنه ای افزون بر اینکه همگان را در برابر قانون برابر می داند، اعتقاد دارد دولت اسلامی باید از محرومان در برابر قدرت مندان دفاع کند: طبقات محروم و پابرنه گان جامعه، باید مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب میشود.

در دولت اسلامی باید از طبقه های ضعیف در برابر قدرت مندان، دفاع واز نفوذ و دخالت سرمایه داران جلوگیری کرد.

دومین پرسش تیندر در بحث نابرابری و برابری این است که اگر برخی از انسان ها بر دیگران برتری ذاتی دارند، چه کسی یا چه نشانه هایی می تواند آنان را بشناسد؟

بر اساس آموزه ی دین اسلام، انسان ها ذاتا با هم برابرند. از این رو، جایی برای مشخص شدن افرادی که ذاتا

برترند، باقی نمی ماند.

عدالت

اصلا پیامبران آمدند تا اقامه قسط کنند. البته اقامه قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست، لیکن آن ها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه قسط کنند و مردم را از شر ظلم وجود طاغوتیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولیعصر (عج) در آخر زمان هم باز همین است.

در اندیشه های آیت الله خامنه ای ایشان معتقد است در بنای جامعه، (عدالت) مهمترین موضوع است. از این رو برای عدالت چندین معنا می آورد:

- ۱_ عدالت به معنای نبود تبعیض در حقوق و حدود و احکام ۲_ عدالت، یعنی کمک به محرومان وضعیفان ۳_ عدالت، یعنی اینکه برنامه ها وحرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد ۴_ عدالت آن است که کسانی که در زیر سایه سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم مانده اند به حقوقشان برسند ۵_ عدالت یعنی اینکه عده خاصی برای خود،حق ویژه ای قائل نباشند ۶_ عدالت یعنی اینکه حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، بر مردم یکسان اجرا شود. ص ۵۸

تحقق عدالت

آیت الله خامنه ای معتقد است:

اگر جلوی کسانی که با تکیه و فریب و زور و یا بر اساس کارهای یاصحیح و مبتنی بر عقل های مادی و منحرف از معنویت، توانسته اند به چیزهایی که حق آن ها نبوده است دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است. اگر هر یک از این چهار رکن اصلی، ضعیف گردد یا از آن غفلت شود، بقای انقلاب و گذار آن از مراحل گوناگون، ممکن خواهد شد.

به گفته آیت الله خامنه ای، در این مرحله از انقلاب، هدف اساسی، ساختن کشوری نمونه است که در آن، رفاه مادی همراه باعدالت اجتماعی و روحیه و آرمان انقلابی و با برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام تأمین می شود.ایشان درباره عدالت اجتماعی می فرمایند: عدالت اجتماعی، بدین معناست که فاصله ای ژرف میان طبقات و برخورداری های نابحق و محدودیت ها از میان برود و مستضعفان و پابرنه گان که همواره مطمئن ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می شود. ایشان در جای دیگری درباره مفهوم عدالت اجتماعی می گوید: عدالت اجتماعی، یعنی استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیض.

عدالت اجتماعی، هدف اساسی نظام اسلامی

به بیان آیت الله خامنه ای دعوت به نظام اسلامی و تشکیلاتی نظام دینی، بدون اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، فراخوانی ناقص، بلکه نادرست است: فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل شوند. و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین، در سرلوحه برنامه های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است.

همچنین در این زمینه می فرماید:

جامعه اسلامی، با عدل و قسط قوام پیدا می کند و به عنوان شاهد و مسیر و هدایت گر و الگو و نمونه برای ملت های عالم مطرح می شود.

به اعتقاد ایشان در جمهوری اسلامی، تأمین عدالت هدف اصلی است:

در جمهوری اسلامی، عدل نه یک پیام شخصی، بلکه یک نظام اجتماعی است که بر اساس آن قسط و عدل باید در جامعه جاری شود و قانون نظارت اجرا و قضاوت و تقسیم امکانات عادلانه صورت گیرد. به گفته ایشان، در نظام جمهوری اسلامی، سیاست ها همواره بر اساس عدالت تنظیم شده است. از این رو، در کشور ما هدف، افزایش حجم ثروت مادی نیست که در سایه آن برخی افراد بتوانند با انواع و اقسام راه های تولید ثروت آشنا شوند.

رعایت عدل و انصاف در جامعه

آیت الله خامنه ای در سخنرانی مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله، عدالت اجتماعی را از مهم ترین شاخصه های مکتب سیاسی امام خمینی رحمه الله برشمرد و تأکید کرد که عدالت اجتماعی باید در قوانین، عملکردهای اجرایی و همه برنامه های حکومتی اصل قرار گیرد و پرکردن شکاف های طبقاتی، مهمترین وظیفه مسئولان در همه دستگاه ها باشد.

عدالت، معیار سیاست های کلی

در نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست ها همواره بر اساس عدالت تنظیم شده اند. ولی در کشور ما هدف افزایش حجم ثروت مادی نیست که در سایه آن برخی افراد بتوانند از انواع و اقسام راه های تولید ثروت برخوردار شوند، بلکه همه کارها در اقامه عدل ارزش می یابد و در حرکت اسلامی ما این یک هدف اصلی است؛ زیرا در جامعه نابرابر، افزایش ثروت تنها به سود یک قشر یا گروه از مردم تمام می شود...

تکلیف اصلی قوه قضائیه

تمام دستگاه های اجرایی باید بسیج شوند تا به هدف مشترک نظام اسلامی که برقراری عدالت اجتماعی در جامعه است، برسند. از این رو، تنها یک نهاد و سازمان یا یکی از قوای سه گانه در اجرای این امر موفق نخواهد بود. نقش قوه قضائیه در این میان، مهم تر و پررنگ تر و وظیفه اصلی اجرای عدل و قسط در جامعه، بر عهده این قوه است. آیت الله خامنه ای تکلیف اصلی قوه قضائیه را اقامه قسط و عدل در جامعه می داند:

تکلیف اصلی قوه قضائیه، عبارت از اقامه قسط و عدل است. این حرکت و دعوت انبیا، شاید اصلی ترین امر مربوط به زندگی مردم باشد. ص ۶۲

اجرای عدل در جامعه، تنها بر عهده قوه قضائیه نیست و هر کدام از قوای دیگر نیز باید در اجرای عدالت مشارکت کنند، ولی ضامن اصلی اجرای عدل، قوه قضائیه است. آیت الله خامنه ای در این باره می فرماید:

البته عدل فقط به وسیله قوه قضائیه اجرا نمی شود، بلکه همه دست اندرکاران حکومت اسلامی به سهم خود در اقامه عدل موظف هستند؛ منتهی ضامنش قوه قضائیه است.

فصل پنجم: ضرورت قدرت (حکومت)

اشاره

در این بخش که به موضوع قدرت می پردازد، میکوشیم پرسشهای تیندر را طرح و نظر آیت الله خامنه ای را در این زمینه بیان کنیم.

تیندر می پرسد: آیا میان انسانها نظمی جز آنچه با قدرت ایجاد و ابقا می شود وجود دارد؟ آیا قدرت به واقع ضروری است؟

بی شک، قدرت سیاسی به عنوان نوع ویژه ای از قدرتهای اجتماعی که ویژه جوامع مدنی است، این ویژگی را دارد که همواره از آغاز شکل‌گیری مدنیت ضرورت وجود خود را اثبات کرده است و جز در برخی قبیله‌های کوچک تکامل و تنظیم روابط میان دیگر قدرتهای اجتماعی در جوامع بشری نیاز به قدرت سیاسی را به اثبات رسانده است. به باور امام علی علیه السلام هیچ جامعه‌ای بدون داشتن قدرت سیاسی نظام خود را باز نخواهد یافت. دوام مدنیت انسان و برقراری روابط اجتماعی به وجود قدرت سیاسی وابسته است. قدرت سیاسی از این نظر اهمیت دارد که وظیفه اداره امور جامعه و مدیریت آن را بر عهده دارد.

جایگاه زمام‌دار در این کار جایگاه شایسته‌ای است که مهره‌ها را به هم فراهم آورد و برخی را ضمیمه برخی دیگر دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با اندرزهای نیکو آیات قرآنی و نفوذ کلامش دلها را به راه پروردگار جذب می‌کند و آنها را هوادار خود می‌سازد. آنان گروهی را تشکیل میدهند و جبهه‌ای را در برابر جبهه کفر برپا می‌کنند. حال اگر این جریان و جبهه مقدس بخواهد در میان جامعه جاهلی بر تعارض باقی بماند و ناپود نشود گروه مسلمانان باید چونان فولاد آب دیده در هم تنیده شوند. مسلمانان باید چنان پیوند یابند که هیچ عاملی نتواند آنها را از یکدیگر جدا کند. باید انضباط حزبی بسیار سختی در میان افراد مسلمان برقرار شود. پرسش این است که آیا این هم بستگی و پیوستگی اسلامی، در قرآن و احادیث نامی هم دارد؟ آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: نام این عمل، ولایت است پیغمبر با جمع کردن مسلمانان و به هم پیوستن آنان یک پیکر واحد ایجاد می‌کند و از این طریق امت اسلامی را تشکیل میدهد و آنها جامعه اسلامی را می‌سازند. پس در جامعه اسلامی به ولایت نیاز است ولایت در این جامعه به چه معناست؟ ولایت در جامعه اسلامی به این است که ولی در آن جامعه مشخص باشد. دوم اینکه الهام بخش همه نیروها نشاطها و فعالیت‌های آن جامعه شمرده شود؛ یعنی مرکزی باشد که فرمان می‌دهد و قانون را اجرا میکند؛ سررشته‌ای که باید همه رشته‌ها به آنجا برگردد همه به او نگاه کنند همه دنبال او بروند؛ کسی که موتور محرک زندگی را راه می‌اندازد و سلسله کاروان زندگی در جامعه است. چنین جامعه‌ای جامعه ولایت مدار نامیده می‌شود.

جامعه اسلامی پس از پیامبر ۲۵ سال دارای ولایت نبود تا اینکه امیر مؤمنان به حکومت اسلامی رسید و جامعه اسلامی دارای ولایت شد. آن وقتی که امام منشأ امر و نهی در جامعه می‌شود؛ آن وقتی که همه رشته‌ها از امام ناشی می‌شود؛ آن وقتی که امام، عملاً جامعه را اداره میکند پرچم جنگ را بلند میکند فرمان حمله میدهد و صلح می‌نویسد، آن وقت است که جامعه دارای ولایت است و در غیر این صورت جامعه دارای ولایت نیست.

جامعه‌ای دارای ولایت میشود که تمام استعدادهای انسانی را رشد دهد. همه چیزهایی را که برای کمال و تعالی انسان نیاز است باور میکند؛ نهال انسانی را بالنده می‌سازد؛ انسانها را به تکامل می‌رساند و انسانیت را تقویت می‌کند. در این جامعه، ولی یعنی حاکم همان کسی است که همه سررشته‌ها به او بر میگردد. پس رویکرد عمومی جامعه را به سوی خدا تغییر مسیر می‌دهد. همچنین تقسیم عادلانه ثروت به وجود می‌آورد و نیکبها را بر زمین می‌گستراند.

در اجتماع اسلامی ولایت نیاز اولیه و ضروری به نظر میرسد و تا این ولایت آن گونه که بیان شد، در اجتماع مسلمانان شکل نگیرد، آن جامعه رانمی‌توان جامعه‌ای اسلامی دانست؛ زیرا اصلی‌ترین ویژگی این جامعه باید حاکم اسلامی آن باشد که در این گونه جوامع ولایت هنوز شکل نگرفته است. از این رو حاکم آن نیز حاکمی اسلامی یعنی ولی نیست همچنین برای ایجاد جامعه اسلامی با ولایت نیاز به قدرت نیازی ضروری است تا فردی مانند پیامبر بتواند افراد را در اجتماع گرد آورد و با ابزارهایی که قدرت در دست ایشان نهاده است هم بستگی و پیوستگی لازم را که ادامه حیات یک جامعه است، پدید آورد.

به باور آیت الله خامنه‌ای اگر جامعه و امتی بخواهد ولایت قرآنی داشته باشد به یک نقطه قوت متمرکز در متن جامعه اسلامی نیاز دارد. به یک نقطه‌ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند؛ همه از آنجا الهام بگیرند و همه از او حرف بشنوند و حرف گوش کنند و او تمام جوانب و مصالح و مفاسد را بداند تا بتواند مثل یک دیده بان نیرومند قوی دستی و قوی چشمی هر کس را در جبهه جنگ به کار خودش بگمارد.

آیت الله خامنه‌ای به آیه زیر بر ضروری بودن قدرت استدلال می‌کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. (نساء: ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پیامبر خدا و از صاحبان فرمان از میان خودتان اطاعت کنید؛ یعنی کسانی که در میان شما صاحبان فرمان هستند.

اسلام نمیگوید روزی خواهد بود که حکومت لازم نباشد و روزی نیست که در جامعه، دولت و حکومت نباشد؛ درحالیکه بنا به پیش بینی بعضی از مکتب‌ها، روزی می‌آید که دیگر در جامعه، دولت و حکومتی نخواهد بود. پس از نظر آیت الله خامنه‌ای، قدرت، امری ضروری است و تا ابد نیز امری ضروری باقی خواهد ماند.

دومین پرسش تیندر در بحث قدرت این است که آیا به دست گرفتن قدرت و استفاده از آن خوب است؟

پیش تر در بحث ضرورت قدرت از دیدگاه آیت الله خامنه ای بیان شد که ایشان بر اساس آموزه های دین مبین اسلام، معتقد است برای تشکیل حکومت اسلامی به قدرت در جامعه نیاز است و برای اینکه حکومت در داخل و خارج بتواند هم بستگی ایجاد کند به اعمال قدرت نیاز دارد.

به باور ایشان حاکم واقعی در جامعه اسلامی خداست و خدای متعالی خود به طور مستقیم امر و نهی نمی کند. از سوی دیگر، انسانها نیاز دارند که فردی بر آنها حکومت کند و باید انسانی سررشته کارها را به دست گیرد؛ زیرا اگر تنها میان جامعه انسانی، قانونی هر چند الهی باشد ولی فرمان روایی یا هیئتی نباشد که حکومت کند و ناظری نیز بر اجرای قانون در جامعه نباشد انتظام جامعه بشری بر هم می خورد.

پس میتوان گفت چنان که قدرت در جامعه نیازی ضروری است استفاده از قدرت نیز برای اجرای دستورهای الهی و دینی در اجتماع، نیازی اولیه است.

پرسش دیگر در بحث قدرت تیندر این است که چرا باید به اطاعت و فرمان پذیری قدرت دیگران تن دهیم؟

۱- نیاز جامعه به حاکم

۲- شناخت حاکم

۳- خدا حاکم اصلی در جامعه اسلامی

خدا حاکم اصلی در جامعه اسلامی

اشاره

بر اساس قرآن انسجام و پیوستگی های داخلی و نفی وابستگیهای خارجی برای جامعه به این بستگی دارد که قدرت متمرکزی در جامعه وجود داشته باشد تا همه فعالیت ها جهت گیری ها موضع گیری ها و قطب های گوناگون جامعه را رهبری کند. نام این فرد در جامعه اسلامی «ولی»، یعنی فرمان رواست؛ یعنی آن کس که همه نیروها باید از او الهام گیرند و همه کارها به او برگردد. آیت الله خامنه ای در پاسخ به این پرسش می گوید:

آن کسی که ولی واقعی جامعه است او «خدا» است. حاکم در جامعه اسلامی غیر از خدای متعال شخص دیگری نیست. این مطلبی است که توحید هم همین را به ما می گفت و نبوت هم همین اصل را برای ما مسلم می کرد.

آیت الله خامنه ای در ادامه می گوید:

بنابراین آن کسی که در جامعه اسلامی حق امر و نهی و فرمان و حق اجرای اوامر و معین کردن خط مشی جامعه و خلاصه حق تحکم در همه خصوصیات زندگی انسانها را دارد . خداست و الله ولی المؤمنین».

به باور آیت الله خامنه ای، ولایت، یعنی حاکمیت و سرپرستی در جامعه اسلامی، امری غیر از سرپرستی و حکومت در جوامع دیگر است. در جامعه اسلامی هیچ انسانی حق ندارد که اداره امور انسانهای دیگر را به عهده بگیرد:

در اسلام، سرپرستی جامعه متعلق به خدای متعال است هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان های دیگر را برعهده بگیرد.

(الف) دلیل پذیرش ولایت خداوند

آیت الله خامنه ای بر آن است که ولایت خداوند و پذیرش آن به دلیل فلسفه ای است که در جهان بینی اسلام موجود است:

اینکه ما می گوییم باید از خدا اطاعت کرد و ولی امر خداست این یک فلسفه طبیعی روشنی دارد؛ چون همه چیز مال خداست [و] آیه «وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي الْآبِلِ وَالنَّهَارِ» (انعام: ۱۳) این مطلب را روشن می کند.

بنابراین به اختصار می توان گفت:

۱. «ولی» جامعه اسلامی یعنی آن قدرتی که همه فعالیتها و نشانه های فکری و عملی را اداره میکند، خداست و هر آن که خدا وی را به نام یا به شأن به ولایت بگمارد.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. (مائده: ۶۰)

ولی و رهبر و حاکم شما فقط خداست و رسولش و مؤمنانی که نماز را به پا می دارند و زکات را در حالی که در رکوعند، ادا می کنند.

۲ ولایت خدا و پذیرش آن از سوی مؤمنان به دلیل نوعی زیربنای فکری است که در جهان بینی اسلام آمده است.

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْ أَعْيُرَ اللَّهُ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لَا أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ. (انعام: ۱۳ - ۱۴)

و از آن اوست هر آنچه در شب و روز آرمیده است و او شنوای داناست. بگو آیا ولی و فرمان روایی جز خدا برگزینم که پدید آورنده آسمانها و زمین است و اوست که می خوراند و خورانیده نمی شود بگو من مأمور شده ام که نخستین کسی باشم که تسلیم گردیده و اسلام آورده است و مبادا که در شمار مشرکان در آیی.

البته خدای متعالی به طور مستقیم امر و نهی نمی کند و انسانها نیز نیاز دارند انسانی بر آنها حکومت کند و گرنه اگر در میان جامعه تنها قانونی هر چند الهی باشد ولی فرمان روا یا هیئتی نباشد که حکومت کند و ناظری بر اجرای قانون در جامعه نباشد، انتظام جامعه بشری به هم می خورد.

حال باید پرسید این انسان چه کسی میتواند باشد؟ آن انسان یا انسانهایی که قرار است بر جامعه بشری فرمان روایی کنند و در عمل ولایت جامعه را به عهده بگیرند چه کسانی میتوانند باشند؟ به این پرسش پاسخهای گوناگونی داده شده است. برخی گفته اند: «الملک لمن غلب»؛ هر که غالب شد حاکم اوست دیگری نیز گفته اند: هر کس تدبیر بیشتری دارد یا هر کس از سوی مردم پذیرفته شود یا از خاندانی بزرگ و معروف باشد، باید حاکم جامعه شود.

آیت الله خامنه ای در پاسخ به این پرسش با استناد به آیه قرآنی «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» می فرماید:

کسی که در عمل باید امر و نهی جامعه و اجتماع را به دست گیرد «خدا» و «رسول» اوست. از این رو، در حضور پیغمبر خدا، معنا ندارد که حاکم دیگری جز پیغمبر بر مردم حکومت کند پیغمبر یعنی همان کسی که باید زمام قدرت را در جامعه به دست گیرد و حاکم بر جامعه باشد

ب) ولایت اساسی ترین مسئله دین

آیت الله خامنه ای معتقد است اساسی ترین مسئله دین موضوع ولایت است؛ زیرا ولایت نشانه و پرتو توحید شمرده می شود:

ولایت یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه اسلامی متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولی مؤمنین می رسد.

پرسشی که اینجا مطرح می شود آن است که پس از پیامبر گرامی اسلام تکلیف چیست؟ در پاسخ به این پرسش، آیت الله خامنه ای به آیه قرآن استناد میکند و می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا مَوْثِقَاتٍ كَسَانِي كَمَا فِي مَكْتَبٍ وَ دِينِ إِيْمَانٍ أَوْرَدْنَا وَ لَتِي وَ حَاكِمِ جَامِعِهِ اسْلَامِي هَسْتَنَدُ. در این آیه قرآن میخواید افزون بر آنکه روی انسان مشخصی انگشت می گذارد و کسی را که در نظر قانون گذار اسلام مشخص است بر مردم حاکم میکند می خواهد علت انتخاب یا انتصاب او را نیز بیان کند و به این وسیله معیاری کلی به دست دهد. لازمه اطلاق آمنوا» این است که ایمان آورده و مؤمن به خدا باشند. پس الَّذِينَ آمَنُوا شرط اول است. شرط دیگر، الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ است؛ یعنی مؤمنانی که نماز را اقامه می کنند؛ نه اینکه نماز می خوانند بلکه روح نماز را در جامعه زنده میکنند به طور کلی در جامعه ای که در آن ذکر خدا موج می زند و مردم به یاد خدا هستند، جهت گیری ها الهی است.

یکی دیگر از ویژگی هایی که در ادامه آیه برای ولی مطرح می شود و یوتون الزکاة است؛ یعنی زکات بدهند و اهل انفاق در راه خدا باشند.

ج) ولی امر؛ فرستاده خدا

بنابراین در اسلام ولی امر آن کسی است که فرستاده خداست آن کسی است که خود خدا معین کند؛ چون فرض این است که به حسب طبیعت خلقت و آفرینش هیچ انسانی حق تحکم بر انسانهای دیگر را ندارد تنها کسی که حق تحکم دارد خداست و چون خدا حق تحکم دارد، خدا میتواند می طبق مصلحت انسان ها این حق را به هر کسی که می خواهد بدهد و می دانیم که کار خدا بیرون از مصلحت نیست. ... او پیغمبر و امام را معین میکند و برای بعد از امام نیز صفاتی را معین میکند که اینها بعد از ائمه معصومین علیهم السلام حاکم بر جامعه اسلامی هستند پس ولی را خدا معین می کند. خودش ولی است پیغمبرش ولی است. امامها ولتی هستند. امام های خاندان پیغمبر تعیین شده اند که دوازده نفرند و در رتبه بعدی کسانی که با معیارها و ملاکهای خاصی تطبیق بکنند آنها از برای حکومت و خلافت معین شده اند.

آیت الله خامنه ای معتقد است آنچه در اسلام بر آن تأکید شده این است که زمام امر مردم در دست کسانی نباشد که انسان ها را به دوزخ می کشانند. به باور ایشان منطق شیعه در این موضوع بسیار ظریف و دقیق است؛ زیرا افزون بر اینکه نصب خدایی را از قرآن استنباط میکند معیارها و ملاکها را هم به دست مردم میدهد تا مردم فریب نخورند.

اگر تو حکومت علی را قبول داری باید معیارهای خلافت و ولایت را هم قبول داشته باشی باید قبول داشته باشی که علی بن ابی طالب به خاطر جمع بودن این معیارها به عنوان ولی انتخاب شده است. پس اگر کسی در او این معیارها نبود یا ضد این معیارها در او بود، این آدم حق ندارد جانشین علی بن ابی طالب خودش را معرفی کند. حق ندارد ولایت شیعه را ولی امر بودن را ادعا کند. حق ندارد از او بپذیرد.

از نظر آیت الله خامنه ای هر جامعه ای که بخواهد همه نیروهایش در یک جهت به کار افتد و هیچ یک از نیروهایش هرز نرود و همه نیروهای جامعه به صورت قدرت متمرکزی در آید به طوری که بتواند مثل مشت واحدی در برابر جناح ها و صف ها و قدرت های متخاصم عمل کند به قدرتی متمرکز نیاز دارد به یک دل و یک قلب احتیاج دارد. اسم چنین فردی امام است. امام، یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در آن جامعه تعیین می شود؛ مثل همان که خدای متعال به ابراهیم علیه السلام فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» تو را برای مردم امام قرار دادم اینکه می گوئیم امام باید از طرف خدا تعیین شود، به دو گونه است یا خدا به نام و نشان معین می کند؛ مثل اینکه پیامبر امیرالمؤمنین (علی علیه السلام)، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و بقیه ائمه علیهم السلام را معین کرد یک وقت هم خدای متعال امام را به نام معین نمی کند، بلکه تنها به نشان معین می کند؛ مثل فرمایش امام که فرمود: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَاتِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِمَدِينَةِ مَخَالِفًا عَلِيَّ هَوَاهُ مَطِيعًا لِتَأْمُرَ مَوْلَاهُ فَلِعَوَامِ أُنْ يُقْلَدُوهُ» در این روایت امام نشانه های امام را تعیین فرمود؛ بدون اینکه نام او را معین کرده باشد. هر کسی که این نشان بر او تطبیق کرد، آن امام می شود.

فرد وقتی ولایت دارد که شناخت درستی از ولی داشته باشد و برای پیوند هر چه بیشتر با او که مظهر ولایت خداست - پیوسته بکوشد. از آنجا که ولی جانشین خدا و مظهر قدرت عادلانه الهی در زمین است از همه استعدادهایی که در وجود انسان ها برای تکامل نهاده شده است به سود آنان بهره می برد و از اینکه حتی اندکی از این زمینه ها در راه زبان انسانیت به کار رود، مانع می شود. او عدل و امن را که برای بالندگی نهال انسان لازم است در محیط زیست آنان تأمین و از پدید آمدن جلوه های گوناگون ظلم جلوگیری می کند.

۴ ولایت

در جامعه اسلامی، ولایت در دو بعد وجود دارد اول ولایت فردی که افراد دارند؛ دوم ولایت جامعه در اینجا به بررسی کامل تر معنای ولایت در نظام اسلامی می پردازیم. از دیدگاه آیت الله خامنه ای ولایت عبارت است از اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر همان معنای که برای ولایت در لغت ذکر شده است - معنای محبت، معنای قیومیت و... از این جهت است که در هر کدام از اینها به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد.

(الف) تعبیر اسلام از حکومت با ولایت

به باور آیت الله خامنه ای در اسلام برای بیان حکومت از تعبیر ولایت استفاده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با عبارت «مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» در روی داد غدیر خم حکومت را با تعبیر ولایت بیان کرد. همچنین در آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، حُكُومَتُ بِلِأَسْمَائِهِ» حکومت با نام ولایت بیان شده است.

اسلام حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان میکند و شخصی که در رأس حکومت قرار دارد به عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاق کلمه ولایت - معرفی می نماید معنای آن چیست معنای آن این است که در نظام سیاسی اسلام آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی ناپذیری از هم دارند.

آیت الله خامنه ای در جایی دیگر اشاره میکند که معنای ولایت در اسلام به نماز روزه زکات و اعمال فردی و عبادت ها خلاصه نمی شود. در اصطلاح عرف اسلامی نام حکومت ولایت است. ولایت آن حکومتی است که شخص حاکم با مردم دارای پیوند محبت آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است. آن حکومتی که زورکی باشد؛ آن حکومتی که با آحاد کودتا باشد؛ آن حکومتی که حاکم عقاید مردم را قبول نداشته باشد و افکار و احساسات مردم را مورد اعتنا قرار ندهد؛ آن حکومتی که حاکم حتی در عرف خود مردم - مثل حکومت های امروز دنیا از امکانات خاص و از برخورداریهایی ویژه برخوردار باشد و برای او منطقه ویژه ای برای تمتعات دنیوی وجود داشته باشد هیچ کدام به معنای ولایت نیست ولایت یعنی آن حکومتی که در آن ارتباطات حاکم با مردم ارتباطات فکری عقیدتی عاطفی و محبت آمیز است. مردم با او متصل و پیوسته اند، به او علاقه مندند و او منشأ همه این نظام سیاسی است و وظایف خود را از خدا می خواهد و خود را عبد و بنده خدا می انگارد.

آیت الله خامنه ای در این باره می گوید:

این بیان پیغمبر که ولایت را به امیرالمؤمنین علی علیه السلام سپرد - این نصب تشریحی - همان معنای حکومت است؛ همان مدیریت جامعه اسلامی و ولایت امر مسلمین است که البته همراه با آن ولایت کلیه الهیه است که در وجود مقدس خود پیغمبر و در ائمه هدی علیهم السلام - در همه - وجود داشت آن ولایت به آن معنا در ائمه ای که به ولایت ظاهری نرسیدند وجود داشت آن ولایتی که مال امیرالمؤمنین و منصوب پیغمبر بوده، ولایت سیاسی بود، با همان معنایی که ذات مقدس پروردگار آن را در اسلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و به وسیله پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به وجود آورد و معلوم شد که اسلام در ردیف والاترین احکام و مقررات خود مسئله حکومت و ولایت و سرپرستی امت را دارد

ب) ولایت فقیه

اشاره

ولایت داشتن فقیه دست کم در برخی از امور از ضروریات فقه شیعه است. ولایت عامه فقیه از ابتدای تاریخ اجتهاد شیعی معتقدان و مدافعانی از فقیهان بزرگ داشته ولی نظریه ای اجماعی نبوده و در گذشته مخالفانی نیز داشته است. البته وقتی به زمان حال نزدیک تر میشویم فقیهان بیشتری به این اعتقاد می گرایند. حضرت امام خمینی رحمه الله برای تثبیت نظریه ولایت سیاسی فقیه در میدان نظر و عمل بحث مهجور ولایت فقیه را به کانون توجه بسیاری از اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان وارد کرد.

یک - معنای ولایت فقیه

«ولایت» و «ولایت» از ریشه «و - ل - ی» است و به همراه دیگر مشتق های این ریشه در معانی متعددی به کار می رود. کسی که متصدی و عهده دار امری میشود بر آن ولایت می یابد و مولی و ولی آن امر میشود بنابراین این واژه به معنای تدبیر و قدرت و تصرف و فعل دلالت دارد.

دقت در موارد کاربرد واژه ولایت و هم خانواده های آن مانند مولی و ولی نشان میدهد که این واژه معنای تصدی و سرپرستی و اداره شئون دیگران را می رساند و نوعی سزاواری و حق تصرف داشتن را برای ولی اثبات می کند.

ولایت شرعی فقیه در امور سیاسی به معنای آن است که فقیه عادل مدیر و مدبر در تدبیر و اداره شئون مختلف جامعه اسلامی برابر آموزه های اسلامی سزاوارتر از دیگران است. چرا اسلام برای فقیه عادل در امور عمومی و اجتماعی ولایت شرعی بر مردم قرار داده است؟ پاسخ به این پرسش که در واقع تبیین فلسفه ولایت سیاسی فقیه است به تحلیل دو نکته نیاز دارد:

الف) چرا جامعه نیازمند رهبری و ولایت سیاسی است؟

ب) چرا در جامعه اسلامی این رهبری بر عهده فقیه عادل جامع شرایط قرار گرفته است؟

در پاسخ به پرسش نخست باید گفت جامعه انسانی از آن رو که شامل افرادی با منافع و خواسته های متعارض و گوناگون است، به ضرورت به حکومت نیاز دارد اجتماع انسانی هر چند کوچک مانند یک قبیله یا دهستان، نیازمند اعتبار ریاست است. پیش تر بیان شد که در جامعه اسلامی نیاز به ولایت ضروری است و پاسخ دادیم که منظور از ولایت در جامعه اسلامی این است که ولی در آن جامعه مشخص بوده و الهام بخش همه نیروها نشاطها و فعالیت های آن جامعه باشد. او مرکزی است که همه فرمان ها را می دهد و همه قانون ها را اجرا میکند جامعه بدون وجود مرجعی به نام حکومت یا دولت که دارای اقتدار سیاسی و اختیار تصمیم گیری است، ناقص خواهد بود و دوام و بقای خویش را از دست می دهد.

اینکه در فقه شیعه این رهبری سیاسی به فقیه عادل واگذاشته شده از آن روست که وظیفه حکومت سازگاری امور مسلمانان با آموزه های شریعت است. هدف حکومت دینی تنها برقراری امنیت و رفاه به هر شکل و با هر هزینه نیست، بلکه باید امور جامعه و روابط و مناسبت های گوناگون آن را با احکام اصول و ارزش های دینی سازگار کند. این مهم نیازمند آن است که مدیر جامعه اسلامی در عین برخورداری از توانایی های لازم در عرصه مدیریت آشناترین مردم به حکومت الهی باشد؛ یعنی از فقاقت لازم در امور اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد. ص ۸۲

در پاسخ به پرسش نخست باید گفت جامعه انسانی از آن رو که شامل افرادی با منافع و خواسته های متعارض و گوناگون است، به ضرورت به حکومت نیاز دارد اجتماع انسانی هر چند کوچک مانند یک قبیله یا دهستان، نیازمند اعتبار ریاست است. پیش تر بیان شد که در جامعه اسلامی نیاز به ولایت ضروری است و پاسخ دادیم که منظور از ولایت در جامعه اسلامی این است که ولی در آن جامعه مشخص بوده و الهام بخش همه نیروها نشاطها و فعالیت های آن جامعه باشد. او مرکزی است که همه فرمان ها را می دهد و همه قانون

ها را اجرا میکند جامعه بدون وجود مرجعی به نام حکومت یا دولت که دارای اقتدار سیاسی و اختیار تصمیم گیری است، ناقص خواهد بود و دوام و بقای خویش را از دست می دهد.

دو- ویژگی های ولی فقیه

کسی که این ولایت را از سوی خداوند عهده دار میشود، باید بتواند نمونه و پرتویی از آن ولایت الهی را تحقق بخشد. به عبارت دیگر، ویژگیهایی از ولایت الهی، قدرت، حکمت، عدالت و رحمت در او وجود داشته باشد.

«آن شخص یا آن دستگاهی که اداره مردم را به عهده میگیرد، باید مظهر قدرت، عدالت و رحمت و حکمت باشد. این خصوصیت، فارق بین جامعه اسلامی و همه جوامع دیگری است که به شکل های دیگر اداره می شوند. در جامعه و نظام سلامی، عدالت، علم، دینو رحمت باید حاکم باشد. خودخواهی نباید حاکم بشود. هوا و هوس از هرکس و در رفتار و گفتار هر شخص و شخصیتی نباید حکومت کند... آنجاییکه هم عصمت وجود ندارد و میسر نیست، دینو تقوا و عدالت باید بر مردم حکومت کند که نمونه هایی از ولایت الهی محسوب می شوند.

ولایت فقیه، یعنی حکومت آگاه به دین، «حکومت دین شناسان عادل»؛ «مدیر و مدبر بودن» در مرتبه بعد است. آنچه به عنوان شرایط اصلی در مجری امور جامعه بر مبنای تفکر اسلام لازم است، همین دو صفت است؛ یعنی «فقاها و عدالت». البته اگر فقیه عادل بخواهد جامعه را درست اداره کند، باید «مدیر و مدبر» باشد. «جریان شناس» باشد تا جامعه را از لغزش در پرت گاه نجات دهد. به علاوه، «زمان شناس»، «مردم شناس» و دارای «حکمت سیاسی» باشد. اما مبنای آن دو صفت هستند. صفات دیگر جزو لوازم آن دوست.

ولی فقیه باید به قرآن و احکام اسلامی کاملاً مسلط باشد؛ یعنی قدرت و فقاها داشته باشد و بتواند اسلام را بفهمد، دین را بشناسد، احکام الهی را کشف کند، با قرآن و سنت مأنوس باشد و توانایی استنباط احکام شرعی را داشته باشد. غیر از فقاها و عدالت، «درایت» و «کفایت» نیز لازم است. اینهم شرط قهری و عقلی است. کسیکه کفایت اداره کاری را ندارد، نمی شود او را زمام دار کرد. لذا این سه شرط اساسی یعنی فقاها، عدالت و کفایت _ که خود کفایت شامل کفایت ذهنی و عملی میشود _ یک انسان را شایسته و لایق میکند که ولایتش را که متعلق به خدا و پیغمبر است، در اختیار بگیرد.

سه - مسئولیت های رهبر

اول - دفاع از نظام و پاسداری از اسلام

به باور آیت الله خامنه ای، رهبری، بنیانگذار کلی نظام است و حرکت کلی نظام باید در چارچوب سیاست هایی باشد که رهبری معین میکند.

البته وظایف و مسئولیت های رهبری، همان چیزی است که در قانون اساسی آمده است. رهبری سیاست گزار کلی نظام محسوب میشود؛ یعنی همه قوای سه گانه باید در چارچوب سیاست های رهبری برنامه ریزی کنند و سیاست های اجرایی خودشان را تنظیم نمایند. حرکت قواره کلی نظام، باید در چارچوب سیاست هایی باشد که رهبری معین میکند. این مهم ترین مسئولیت رهبری است. البته در قانون اساسی، مسئولیت های دیگری هم وجود دارد.

دوم - وظایف و اختیارات رهبر در قانون اساسی

از دیدگاه آیت الله خامنه ای، مهم ترین مسئولیت و وظیفه رهبری، تعیین سیاست های کلی نظام است که قوای سه گانه باید برابر این سیاست ها حرکت کنند. آنها باید چنان برنامه ریزی و جهت دهی کنند که حتی در موردی از این سیاست ها سرپیچی نکنند. از دیدگاه آیت الله خامنه ای، وظایف و اختیارات رهبر، همان مواردی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است.

۱- تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام

۳- فرمان همه پرسى ص ۸۹

۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح

۵- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروهای مسلح و نصب و عزل و قبول استعفا

۱- فقهای شورای نگهبان

۲-۶ عالی ترین مقام قوه قضاییه

۳-۶ رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

۴-۶ رئیس ستاد مشترک

۵-۶ فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۶-۶ فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه؛

۸- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست به وسیله مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۹- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم و صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرح که در قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد؛

۱۰- عزل رئیس جمهور یا در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی با رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم؛

۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه

سوم مسئول بودن رهبر در برابر قانون

پرسش این است که با توجه به ویژگی ها اختیارات و وظایفی که رهبر در جامعه اسلامی دارد جایگاه رهبر در قانون چگونه است؟ آیا برای رهبر در قانون جایگاه ویژه ای دیده شده است یا اینکه رهبر با تمام ویژگیها وظایف و اختیاراتی که دارد، در برابر قانون با دیگر افراد یکسان است.

آیت الله خامنه ای در این باره معتقد است هیچ کس بالاتر از قانون نیست و قانون برای همه یکسان است:

در قانون اساسی رهبری رئیس جمهور رئیس قوه قضاییه و دیگر مسئولان با آحاد مردم در قبال قوانین هیچ تفاوتی ندارند. هیچ کس بالاتر از قانون نیست. قانون اساسی اختیاراتی را به کسانی می دهد. قانون اساسی به قاضی می گوید محکوم کن یا تبرئه کن یا حکم قضایی صادر کن به رهبری هم میگوید با ملاحظه این جهات عفو کن. این مافوق قانون نیست. این متن و مر قانون است. قانون برای همه یکسان است. برای کسانی که گره هایی باز کنند راههایی را بکشایند و مشکلاتی را حل نمایند، مسئولیتهایی وجود دارد آنجایی که قانون در میان است همه یکسانند. این چیز خیلی مهمی در اسلام است. دیگران هم ادعای این را می کنند اسلام این عمل را نشان داده است؛ ما به دنبال آن هستیم ما این تصویر زیبا در ذهنمان هست.

چهارم - فرا نظارتی نبودن رهبری

آیت الله خامنه ای در جمع دانشجویان در پاسخ به این پرسش که آیا نهادها و دستگاههای مربوط به رهبری تحت نظارت و بازرسی هستند یا فوق نظارتند می گوید:

هیچ مقامی، جایگاه فوق نظارت نیست خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه های مرتبط با رهبری بنابراین همه باید نظارت بشوند؛ نظارت بر آن کسانی که حکومت میکنند؛ چون حکومت به طور طبیعی، به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است. برای اینکه امانت به خرج بدهند و سوء استفاده نکنند نفسشان طغیان نکند یک کار لازم و واجب است و باید هم بشود. البته این تقسیم بندی - نهادهای زیر نظر رهبری و نهادهای غیر زیر نظر رهبری - تقسیم بندی غلطی است؛ ما چنین چیزی نداریم. طبق قانون اساسی سه قوه مجریه و قضاییه و مقننه زیر نظر رهبری اند. دستگاههای دیگر هم همین طور زیر نظر رهبری بودن، به معنای این نیست که رهبری دستگاهی را مدیریت می کند اما به هر حال فرق نمی کند لازم است نظارت بشوند. البته نظارت ها در کشور ما متأسفانه هنوز تخصصی علمی و کارآمد نیست در مواردی بی طرفانه هم نیست... بنابراین، این طور نیست که دستگاه های مربوط به رهبری از نظارت معاف باشند نه به نظر ما بازرسی لازم است.

نقش مردم در حکومت

گفتیم که حق سرپرستی جامعه اسلامی بر عهده خداوند است و خداوند این امر را به پیامبر و پس از پیامبر به امامان معصوم علیهم السلام تفویض کرده است. همچنین بنا بر مبنای دین مبین اسلام پس از پیشوایان معصوم علیهم السلام، رهبری و فرمان‌روایی نظام اسلامی بر عهده فقیهان و عالمان دین است. در اینجا این پرسش مطرح میشود که آیا صرف اینکه فردی ویژگی‌های مورد نظر را داشت میتواند به عنوان ولی فقیه و حاکم اسلامی بر مسند حکومت تکیه بزند یا اینکه به پذیرش مردمی نیز نیاز دارد. اساساً در موضوع ولایت فقیه مردم نیز نقش دارند و پذیرش ولی فقیه از سوی مردم شرط است یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش آیت الله خامنه‌ای معتقد است مردم در حکومت اسلامی ارزش والایی دارند. آنها می‌توانند در بسیاری از امور جامعه از جمله در اجرا قانون‌گذاری از راه انتخاب رئیس‌جمهور نمایندگان مجلس شورای اسلامی و از همه مهم‌تر، در انتخاب رهبری از راه انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان نقش مستقیم داشته باشند. همچنین می‌توانند در موارد فراوانی نقش نظارتی خود را بر امور جاری کشور ایفا کنند. آیت الله خامنه‌ای چنان‌که به نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی تأکید دارد که معتقد است بر اساس نقش مردم در جامعه اسلامی میتوان یک نظریه جدید به نام مردم‌سالاری دینی ارائه کرد که با دموکراسی غربی متفاوت است و کارآیی آن نیز بیشتر از دموکراسی غربی است. بر این اساس ما در آغاز می‌کشیم به بررسی مبنای نظری مردم‌سالاری دینی یا به بیان دیگر نقش و جایگاه مردم در حکومت دینی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای بپردازیم و سپس چگونگی ارتباط مردم با ولایت فقیه را بیان کنیم.

(الف) دیدگاه اسلام درباره حکومت بر مردم

از نظر آیت الله خامنه‌ای حکومت بر مردم حقی است از سوی مردم و متعلق به مردم و باید در خدمت مردم به کار رود. این نظر اسلام است»

(ب) حضور مردم در صحنه‌ها

آیت الله خامنه‌ای افزون بر اینکه میگوید مردم در نظام اسلامی سهم بسزایی دارند و دولت‌ها نیز باید از کمک مردم استفاده کنند، حتی یک گام، جلوتر میگذارد و بیان میدارد که مردم باید حضور پررنگ‌تری در صحنه‌ها داشته باشند.

(ج) مردم مهم‌ترین پایه جمهوری اسلامی

ایشان خطاب به مردم می‌فرماید:

جمهوری اسلامی به پایه‌های راسخ مستحکم است و مهم‌ترین پایه این جمهوری و راسخ‌ترین عمود این خیمه، شما مردم هستید. هر دولتی استحکام و اراده و آگاهی و آمادگی شما را داشته باشد، آسیب‌ناپذیر است.

(د) نفی دولت‌سالاری

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در اداره جامعه باید به دو مقوله مهم توجه کنیم اول اینکه در اسلام، دولت‌سالاری نفی شده است. یعنی دست مردم از فعالیت‌های گوناگون کوتاه نشده است و تمام امور به دست دولت انجام نمیشود. مقوله دوم، توجه به مشارکت مردم در اداره جامعه است. در حکومت اسلامی، به مردم اجازه داده میشود که در بسیاری از امور جامعه مشارکت کنند. «مشارکت مردم، یعنی بار اداره جامعه را دولت به تنهایی بر دوش نگیرد؛ با کمک مردم بگیرد که این چیز، بسیار منطقی است. اولاً در اندیشه اسلامی و جهان بین‌اسلامی، این دارای ریشه‌های محکمی است. شما در اسلام ملاحظه خواهید کرد که دولت‌سالاری به طور کلی در هیچ‌جای اسلام وجود ندارد».

(ه) مردم‌سالاری دینی

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای حکومت اسلامی در اداره جامعه نقش ویژه خود را دارد و چنان نیست که با به کارگیری روشهای غربی بخواهد به هدف‌هایش برسد علت این امر نیز در ارزش مدار بودن روشهاست و اینکه هر روشی بر ارزش‌هایی مبتنی است که کاربرد آن را محدود میسازد. بنابراین، چون حکومت اسلامی، ارزش‌های ویژه خود را دارد، بی‌گمان، باید روش حکومتی ویژه‌ای نیز داشته باشد. این روش در عین مخالفت با دموکراسی غربی، با استبداد و دیکتاتوری نیز تضاد دارد که ایشان از آن به مردم‌سالاری دینی تعبیر کرده است.

یک- اصول مردم‌سالاری دینی

اصل اول - حق مداری

اصل دوم - ارزش مداری

اصل سوم - مردم محوری (رضایت)

اصل چهارم - قانون محوری

دو - نقش مردم در تحقق ولایت فقیه

آیا مردم در نظام اسلامی میتوانند در انتخاب ولی و حاکم جامعه نقش داشته باشند؟

آیت الله خامنه ای در پاسخ به این پرسش معتقد است اگرچه امامان معصوم علیهم السلام را خداوند گماشته بود، ولی معیارها و ملاکهایی نیز برای تشخیص مردم قرار داده بود. پس منطق شیعه در این مسئله، بسیار منطقی ظریف و دقیقی است. ضمن اینکه نصب خدا را از قرآن احساس و استنباط میکند، معیارها و ملاکها را هم به دست مردم میدهد که فریب نخورند.

آیت الله خامنه ای در تبیین نقش مردم در موضوع ولایت فقیه میگوید: کسی که دارای علم و تقوا و درایت است، از طریق رأی مردم و به وسیله مجلس خبرگان انتخاب میشود؛ یعنی انتخاب با مردم است.

آخرین پرسشی که در بحث قدرت از سوی تیندر مطرح می شود آن است که اگر هیچ کس شایسته به دست گرفتن قدرت نیست، انسان چگونه میتواند با عزت و احترام زندگی کند؟

در پاسخ به این پرسش از دیدگاه آیت الله خامنه ای پیش تر بارها بیان کردیم که بر اساس مؤلفه های دین مبین اسلام خداوند حاکم واقعی و سرپرست جامعه است. وجود خداوند ازلی است و وجود حاکمی انسانی ضروری است تا خدا این حاکمیت را به او واگذارد به باور آیت الله خامنه ای در اندیشه اسلامی نیاز به حکومت همیشگی است و روزی نخواهد آمد که نیاز به حکومت و دولت نباشد تا زمانی که نخواهد آمد که نیاز به حکومت نباشد، در حالی که بعضی از مکتب ها پیش بینی میکنند آن روزی را که در جامعه دولت و حکومت نباشد در حالی که بعضی از مکتب ها پیش بینی میکنند آن روزی را که جامعه ایده آل باشد و یکی از خصوصیاتش این است که دیگر دولت و حکومت در آن جامعه نیست ولی اسلام این پیش بینی را نمی کند.

همچنین به نظر آیت الله خامنه ای همواره در زندگی انسانها باید قانون حاکم باشد و فردی باشد که بر این قانون، نظارت کند.

فصل ششم: محدودیت های قدرت

تیندر در بحث محدودیتهای قدرت نخست انواع محدودیت قدرت را بیان میکند و بر آن است که محدودیت های قدرت دو دسته اند

۱ - محدودیت های اخلاقی قدرت

پیش از بیان محدودیت های اخلاقی قدرت از دیدگاه آیت الله خامنه ای باید گفت به باور ایشان در بحث رعایت اخلاق منظور از حاکم تنها یک فرد منصب یا شخص نیست بلکه همه کسانی که به گونه ای در حکومت اثر گذارند و عضو دستگاه حاکم و زمام دار ملت اسلامی به شمار می آیند موظفند البته وظایف آنها که به مرکز نزدیک ترند، سنگین تر است. آنها که مسئولیتشان سبک تر و موقعیت اجتماعی و شغلی شان اهمیت کمتری دارد این وظیفه نیز در مورد آنها کمتر است.

آیت الله خامنه ای معتقد است برخی از ویژگی ها در حاکم اسلامی وجود دارد که ابزار مراقبت درونی او به شمار می آیند.

(الف) تقوا

(ب) ایمان

(ج) تواضع الهی

(د) محاسبه نفس

(ه) قناعت

2- محدودیت های قانونی دولت

به باور ایشان برابری و انحصار طلب نبودن حاکم اسلامی اولاً مخصوص خود حاکم در اسلام نیست؛ یعنی حکومت در اسلام یک نفر نیست؛ اگر چه ولی امر مسلمین و حاکم و زمام دار یک نفر در رأس است اما مجموعه دستگاهی که حکومت می کند عیناً مثل آن شخص از لحاظ برابر بودن با مردم و اجازه انحصار طلبی نداشتن مانند اوست و محکوم

به احکام اوست؛ یعنی یک رئیس اداره هم آن قدری که از بیت المال مسلمین در اختیار اوست و در زیر دست اوست، باید آن را متعلق به همه بداند و اگر خود او از آن اموال استفاده میکند فقط در هنگام خدمت به مردم باشد و جز برای خدمت به مردم برای هیچ مقصود دیگری از اموال مسلمانان استفاده نشود... و همه مسئولین ادارات و کارگزاران حکومت در سطوح مختلف مثل شخص حاکم اسلامی هستند که باید روح انحصار طلبی در آنها مطلقاً وجود نداشته باشد».

الف) قانون های الهی

از نظر آیت الله خامنه ای نخستین محدودیت برای قدرت قانون های الهی است و چون نظام ما نظامی اسلامی است و در رأس حکومت، ولی فقیه قرار دارد نخستین محدودیت قانونی قانون های الهی است نظام و جامعه اسلامی باید بر اساس قوانین الهی باشد و همراه با آن قانونها حرکت کند و انحراف از قانونهای الهی هرگز پذیرفتنی نیست در مواردی، فقط موعظه و تربیت کافی نیست یک حدود قانونی هم لازم هست گذاشته شود که بسیاری از حدود و قوانین اسلامی در امور مالی یا اجتماعی برای همین است که افراد انسان را از تجاوز و تخطی از حق خود و اندازه خود مانع شود. اما در مورد حاکم، یعنی کسی که پول، سلاح، نیرو و نفوذ کلمه دارد و سیاست میداند، درباره چنین کسی، اسلام تأکید بیشتری میکند و به موعظه کردن اکتفا نمی نماید .

در حکومت اسلامی، نخستین ملاک، رعایت قوانین الهی است؛ هر چند این قوانین به ضرر حاکم باشد و آنچه مهم است، عمل بر اساس قوانین الهی است. پس نخستین عامل قانونی در محدود کردن قدرت، قوانین الهی است که باید برابر آن قوانین عمل شود.

ب) قانون اساسی

زیر مجموعه قوانین الهی شمرد ولی برای مشخص کردن نقش قانون اساسی در محدود کردن قدرت از آن به عنوان بحثی مستقل یاد می شود. آیت الله خامنه ای درباره قانون اساسی می گوید:

البته شکل قانون اساسی ما آن چنان شکلی است که بروز بیماری های صعب العلاج را در حکومت اسلامی مشکل می کند. علت هم این است که حکومت در جامعه اسلامی تابع ارزشها و معیارهای معنوی است.

همچنین ایشان می گوید:

در قانون اساسی، رهبری رئیس جمهور رئیس قوه قضاییه و دیگر مسئولان کشور با آحاد مردم در قبال قوانین هیچ تفاوتی ندارند. هیچ کس بالاتر از قانون نیست... آنجایی که قانون در میان است، همه یکسانند.

ج) مردم

آیت الله خامنه ای معتقد است مردم از راه های گوناگون میتوانند قدرت را محدود یا بر آن نظارت کنند که عبارتند از:

یک- اطاعت نکردن از قدرت

ایشان میگوید چنین نیست که فرض کنیم در جامعه ای، فرماندار خودسر و متکبری وجود داشته باشد و علاجی برای درمان او نباشد. علاج هایی وجود دارد که مهمترین آن توجه مردم است.

دو - اعتراض

یکی دیگر از راه هایی که مردم میتوانند از راه آن قدرت را محدود کنند، اعتراض است. آنان با این شیوه میتوانند حاکمان و فرمانروایان را از کج روی و خطایشان آگاه سازند.

سه - حضور در صحنه

یکی از عواملی که از فرو افتادن دستگاه های زمام داری و مسئولان به ورطه استکبار جلوگیری می کند، حضور مردم در صحنه های مختلف است.

اختیارات دولت و نفی دولت سالاری

یکی از پرسش هایی که تیندر در بحث محدودیتهای قدرت مطرح می کند این است که آیا عمل دولت ها با استفاده از شر برای تحقق خیر موجه است؟

در پاسخ به این پرسش آیت الله خامنه ای معتقد است دولت در اسلام دو ویژگی اساسی دارد از یک سو، اسلام به دولت اختیارات فراوانی می دهد به گونه ای که وقتی ضرورت ایجاد کند حاکم اسلامی از اختیارات فوق العاده ای برخوردار است. ویژگی دوم دولت در نظام اسلامی این است که ساختار دولت سالاری هرگز در اسلام نیست. از شگفتی هایی که وجود دارد، یکی این است که در اسلام دولت اختیارات زیادی دارد دو ویژگی مهم وجود دارد که اینها در کنار هم یک بافت شایسته را در دولت اسلامی به ما نشان می دهد؛ یکی اختیارات وسیع دولت اسلامی است. حاکم اسلامی در هنگام ضرورت آن وقتی که نیازهای جامعه ایجاد و اقتضا می کند از اختیارات فوق العاده ای برخوردار است. اگر با این دید نگاه بکنیم، دولت جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی در هیچ یک از کارهایی که بر عهده اوست ندارد؛ همان طور که امام یک وقتی در یکی از سخنرانی هایشان فرمود حتی دولت اسلامی و حاکم بر حق اسلامی می تواند از مردم اموال شخصی آنها را هم آنجایی که مصالح عمومی ایجاد و اقتضا می کند بگیرد. لباس آنها را، خانه آنها را، اتومبیل آنها را، سرمایه آنها را آنجایی که احتیاجات عمومی جامعه اسلامی است آنجایی که مسئله مرگ و زندگی برای جامعه و برای مصالح عمومی انقلاب است می تواند از آنها بگیرد. یک چنین اختیارات وسیعی را در اختیار دولت اسلام گذاشتند. از آنچه بیان شد میتوان نتیجه گرفت دولت اسلامی برای سازمان دهی امور عمومی و اجتماعی و اموری که به مصلحت یا به زبان جامعه باشد اختیارات فراوانی دارد و هر چه را تشخیص دهد به سود یا زبان جامعه است میتواند انجام دهد؛ هر چند در مواردی به افرادی از جامعه زبانی هم برسد.

۴ تعیین حوزه قدرت سیاسی

پرسش دیگری که تیندر در بحث محدودیتهای قدرت مطرح میکند این است که حوزه قدرت سیاسی را چه چیز تعیین می کند؟ آیا این امور ملاحظه های عملی آتی است با محدودیتهای از پیش تعیین شده است؟

پیش تر در بحث محدودیتهای قانونی بیان کردیم که در نظام اسلامی برخی محدودیتهای ناشی از قوانین الهی است و برخی دیگر از محدودیتهای قانون اساسی و دیگر قانونهای موجود در نظام اسلامی سرچشمه می گیرد. در تعیین حوزه قدرت سیاسی نیز همین گونه است. مهم ترین مسئله ای که حوزه قدرت سیاسی را در دولت اسلامی مشخص می کند، قوانین شرع و دین مقدس اسلام است بر این اساس، آیت الله خامنه ای می فرماید در نظام اسلامی قانون صلح و جنگ، روابط اجتماعی حکومت حقوق و مسائلی از این دست را خدا و دین خدا تعیین میکند. جامعه اسلامی یعنی آن جامعه ای آن تمدنی که در رأس جامعه خدا حکومت میکند. قوانین آن جامعه قوانین خدایی است. حدود الهی در آن جامعه جاری می شود. عزل و نصب را خدا میکند... در رأس مخروط خداست و پایین تر از خدا همه انسانیت و همه انسان ها هستند. تشکیلات را دین خدا به وجود می آورد. قانون صلح و جنگ را مقررات الهی ایجاد میکند روابط اجتماعی را، اقتصاد را، حکومت را، حقوق را همه و همه را دین خدا تعیین میکند و دین خدا اجرا میکند و دین خدا دنبال این قانون می ایستد. این جامعه اسلامی است.

۵ تمرکز قدرت سیاسی

پرسش بعدی این است که آیا باید در جامعه تنها یک مرکز اساسی قدرت وجود داشته باشد؟

آیت الله خامنه ای در پاسخ به این پرسش معتقد است در جامعه اسلامی باید فردی باشد که تمام نیروهای داخلی جامعه به آن فرد بپیوندند. لازم است یک رهبری یک فرمانده و یک قدرت متمرکز در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که این فرد بداند از هر کسی چه کاری بر می آید. اگر در یک جامعه ای و یک امتی بخواهد ولایت قرآنی را به این معنا داشته باشد؛ یعنی بخواهد تمام نیروهای داخلی اش در یک جهت به سوی هدف، در یک خط به راه بیفتد و بخواهد تمام نیروهای داخلی اش علیه قدرت های ضداسلامی در خارج بسیج شود، احتیاج به یک نقطه قدرت متمرکز در متن جامعه اسلامی دارد. به یک نقطه ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند.

به باور آیت الله خامنه ای بدون تمرکز قدرت وحدت ممکن نیست

جلوه دیگر از جلوه های ولایت که بسیار مهم و از همه مهم تر است و ضامن بقای ولایت به معنای اول و دوم هم هست، این است که جامعه یک مرکز فرماندهی مقتدر در درون خود داشته باشد؛ چون جامعه اسلامی حکم یک پیکر واحدی را باید داشته باشد که هم در داخل با یکدیگر متعاضب و متماسک باشند و هم در خارج مثل یک مشت واحد و یک تن در مقابل جبهه های خارجی عمل کنند و این وحدت بدون تمرکز نیروی اداره کننده ممکن نیست و چنانچه بر هر گوشه ای از گوشه های جامعه اسلامی یک عاملی یک قدرتی یک قطبی حکومت بکنند اعضای این پیکر از یکدیگر جدا میشوند و در یک راه حرکت نمی کنند.

۶ آزادی

آخرین پرسش تیندر در این بخش آن است که آیا کسانی که در حکومت مبتنی بر قانون زندگی می کنند به ضرورت آزادند؟

(الف) اسلامی بودن مقوله آزادی

آیت الله خامنه ای در پاسخ به این پرسش که آیا آزادی مقوله ای است که اسلام نیز بر آن تأکید کرده است؛ یعنی آزادی مقوله ای اسلامی است با اینکه تنها واژه ای غربی است، می گوید:

مسئله آزادی یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم و در کلمات ائمه علیهم السلام به طور مؤکد و مکرر روی آن تأکید شده است. البته تعبیری که در اینجا از آزادی می کنیم مرادمان آزادی مطلق نیست که هیچ طرف داری در دنیا ندارد. فکر نمی کنم در دنیا کسی باشد که به آزادی مطلق دعوت بکند. مرادمان آزادی معنوی هم که در اسلام و به خصوص در سطوح راقی معارف اسلامی هست نیست. آن محل بحث ما نیست آزادی معنوی چیزی است که همه کسانی که معتقد به معنویاتند آن را قبول دارند. محل رد و قبول نیست. منظور از «آزادی» که در اینجا بحث می کنیم آزادی اجتماعی است. آزادی به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن گفتن انتخاب کردن و از این قبیل همین مقوله در کتاب و سنت مورد تجلیل قرار گرفته است. قرآن می فرماید:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. (اعراف: ۱۵۷)

خداوند یکی از ویژگیهای پیامبر را این قرار میدهد که غل و زنجیرها را از گردن انسانها بر می دارد. اصر؛ یعنی تعهدات تحمیلی بر انسانها را از آنها می گیرد.

به باور ایشان حداکثر چیزی که غربی ها درباره خاستگاه و فلسفه آزادی می گویند این است که آزادی حق انسان است ولی اسلام بالاتر از این را می گوید اسلام آزادی را امر فطری انسان میدانند اسلام هم معتقد است آزادی یک حق است، ولی حقی برتر از دیگر حقوق مثل حق حیات و حق زندگی چنان که حق زندگی کردن را نمی توان در ردیف حق مسکن و حق انتخاب و مانند آن گذاشت آزادی نیز همین گونه است.

ب ماهیت آزادی

به باور آیت الله خامنه ای آزادی دادنی است. مسئولان حکومت ها اجازه ندارند حق طبیعی آزادی - یعنی آزادی قانونی را از کسی سلب کنند. البته این لطفی نیست که حکومتها میکنند باید آزادی را بدهند و این وظیفه و تکلیف است. از دیدگاه آیت الله خامنه ای آزادی گرفتنی هم هست. هر انسان آگاه و با شعوری در جامعه باید با حق آزادی و حدود خود آشنا باشد و آن را مطالبه کند و بخواهد. همچنین آزادی آموختنی است «آزادی آداب و فرهنگی دارد که باید آن را آموخت بدون فرهنگ و ادب آزادی این نعمت بزرگی الهی برای هیچ کس و هیچ جامعه ای آنچنان که شایسته است، فراهم نخواهد شد.

(ج) نكوهش بهره برداری منفی از آزادی

اگر در جامعه ای ادب آزادی وجود نداشته باشد و افراد چگونگی استفاده از آن را ندانند بی گمان آزادی را از دست خواهند داد و از نظر اسلام این فاجعه ای برای جامعه است. از نظر اسلام هر نوع استبداد و دیکتاتوری مردود است و اگر در جایی پیش بیاید، فاجعه به شمار می آید. آیت الله خامنه ای معتقد است:

از آزادی نباید دشنه ای ساخت و سینه حافظ آن آزادی را هدف قرار داد با آزادی نباید بازی کرد کسانی که نام آزادی را می آورند ولی به فرهنگ آزادی مطلقا پای بند و متعهد نیستند به آزادی ضربه میزنند اینها طرف دار آزادی نیستند. اینها به آزادی خیانت میکنند آزادی نباید وسیله قانون شکنی و تیشه زدن به ریشه نظام جمهوری اسلامی باشد. (۲)

بنابراین حکومت ها اجازه ندارند حق طبیعی آزادی؛ یعنی آزادیهای قانونی را از کسی بگیرند ولی در مقابل نیز آزادی نباید وسیله قانون شکنی و خیانت به نظام اسلامی باشد.

فصل هفتم هدف های قدرت

در بحث قدرت آخرین موضوعی که تیندر مطرح می کند هدف های قدرت است. هدف و غایت قدرت چیست؟ به بیان دیگر، قدرت چه توانایی ها و فعالیتهایی را می تواند انجام دهد.

۱- وظایف دولت اسلامی

در همین راستا، نخستین پرسشی که تیندر مطرح می کند این است که وظایف قدرت چیست؟ به عبارت دیگر، قدرت چه نوع وظایفی را می تواند انجام دهد؟

در پاسخ به این پرسش آیت الله خامنه ای معتقد است در حکومت اسلامی قدرت وظایف و کارکردهای گوناگونی دارد. در مرحله اول، دولت اسلامی همان وظایف خداوند را - در حد توان انجام می دهد وظیفه دیگری که بر عهده دولت اسلامی است افزایش معنویت و خودسازی در میان مردم است که به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. سومین وظیفه ای که دولت اسلامی بر عهده دارد مواردی مانند تأمین امنیت رفاه عدالت اجتماعی بهداشت، ایجاد شغل و اداره سیاست جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در امور جهانی است.

الف) عملکردن دولت اسلامی برابراهه الهی

ب) ایجاد عدالت اجتماعی

ج) تأمین امنیت

د) تأمین رفاه

۲-وظیفه دولت اسلامی در زمینه مسائل جهانی

آیت الله خامنه ای معتقد است دولت اسلامی افزون بر وظایفش در داخل مرزهای خود وظایفی نیز در مسائل جهانی و بین المللی دارد. از این رو دولت اسلامی چنان که در مسائل داخلی با اقتدار عمل میکند باید در مسائل بین المللی و جهانی نیز اقتدار و قدرت خود را نشان دهد؛ زیرا جامعه بدون دیپلماسی قوی و ارتباطات بین المللی نیرومند نمی تواند موفق باشد. نمی شود فرض کنیم که یک جامعه ای و یک حکومتی در داخل خود با کمال آسایش و راحت طلبی زندگی کند، اما در ارتباطات بین المللی و در حضور در صحنه های جهانی قوی و فعال و متکبر و در موضع قدرت نباشد. چنین چیزی ممکن نیست. نه فقط امروز که همه جای دنیا به هم وصل است و تمدن و فرهنگ و اخلاق و خوبیهایی و بدی ها و گرفتاری ها و راحتی ها از این سر دنیا به آن سر دنیا می روند و همه ملتها را در بر میگیرد گذشته هم این جور بود. ممکن نبود که ما فرض کنیم یک جامعه موفق را بدون دیپلماسی قوی و ارتباطات بین المللی قوی. چنین چیزی ممکن نیست. این جزو وظایف حکومت است و حکومت اسلامی طرف دار انزوا نیست طرف دار جدایی از ملت ها و دولت ها نیست. طرف دار کنار نشستن در مسائل بین المللی نیست طرف دار حضور فعال و قاطع در زمینه ها و مسائل بین المللی است.

۳. ورود مردم به بخش های اقتصادی

دومین پرسش تیندر این است که آیا باید بیشترین امکانات تولید و توزیع در اختیار دولت باشد؟

از آنجا که آیت الله خامنه ای به مردم سالاری دینی معتقد است و به کار کردها و نقشهای گوناگون مردم اعتقاد دارد، در بعد اقتصادی و تولید و توزیع نیز معتقد است مردم میتوانند نقش اساسی ایفا کنند و از این نظر هیچ منع قانونی برای فعالیت مردم در امور اقتصادی وجود ندارد البته به باور ایشان مردم با دو شرط میتوانند در فعالیتهای اقتصادی به شکل درست شرکت کنند شرط اول این است که برنامه ریزی به دست دولت باشد؛ شرط دوم نیز آن است که مراقبت و هدایت دستگاههای مسئول همیشگی باشد. در همه بخش ها میشود مردم را به شکل صحیح مشارکت داد. البته با دو شرط اول اینکه برنامه ریزی به دست دولت باشد. نتوانند سوء استفاده چی ها افراد پلید خبیث و خودکامه که به فکر منافع شخصی خودشان هستند، برای پر کردن جیب خودشان اوضاع مملکت را نابه سامان کنند سیاست گذاری و برنامه ریزی به عهده مسئولان جمهوری اسلامی است.

شرط دوم اینکه مراقبت و هدایت دستگاههای مسئول دائماً وجود داشته باشد. دستگاه قضایی فعال عمل کند. مسئولین دولتی فعال عمل کنند مسئولین اجرایی فعال عمل کنند.

۴-هدایت معنوی مردم

سومین پرسش تیندر این است که آیا دولتها باید مسئولیت شکل دادن به باورهای افراد را بر عهده گیرند؟

یکی از وظایف اصلی در نظام اسلامی شکل دادن به باورهای افراد در جامعه اسلامی است. بر این اساس، آیت الله خامنه ای عمق بخشیدن به ایمان مردم و هدایت قلبی و معنوی انسانها در جامعه را نخستین وظیفه مسئولان امر می داند و معتقد است این امر در ادامه راه پیامبر است. عمق بخشیدن به ایمان مردم و هدایت قلبی و معنوی انسان ها در یک جامعه اولین وظیفه مسئولان امر است: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِتْرًا مِّنْهُ» (احزاب: ۴۵ - ۴۶) این وظیفه پیغمبر است. ما می خواهیم همان راه را برویم هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه ۲) تزکیه و تعلیم جزو وظایف اصلی پیامبر است. در جوامع

اسلامی، مسئولان باید همان راه را بروند باید تعلیم بدهند و تربیت کنند باید ایمان دینی را در ذهنها تقویت و راسخ کنند. این جزو وظایف ماست در راه اصلاح امور زندگی و تقویت ایمان دینی مردم باید همه تلاش خودمان را بکنیم.

آیت الله خامنه ای معتقد است آنچه نظام اسلامی را در برابر رژیمهای استکباری حفظ کرده گنجینه ارزشمند و بی بدیل ایمان تقوا و معنویت است. همه اینها ره آورد تلاش انبیای عظام به ویژه نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و توحید نابی است که برای بشر به ارمغان آورده اند. یکی از بزرگ ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، همین پاکی و پاک نهادی و پاک رفتاری و اتکال به خداوند تبارک و تعالی است. مدیران نظام موظفند علاوه بر تعمیق و تداوم این دستاوردها در خویش زمینه گسترش آن را در آحاد جامعه و زیر دستان خود فراهم سازند.

۵- هدایت اخلاقی جامعه

پرسشی که تیندر در این زمینه مطرح میکنند این است که آیا دولت ها باید شکل دادن به ویژگی های اخلاقی مردم را بر عهده بگیرند؟ چنان که در پاسخ پرسش پیشین گذشت آیت الله خامنه ای معتقد است دولت اسلامی وظیفه شکل دادن به باورهای مردم را جزو وظایف اصلی خود می داند. بر همین مبنا، آیت الله خامنه ای در پاسخ به این پرسش نیز معتقد است پیامبر گرامی اسلام به دلیل بعثت لایتم مکارم الاخلاق آمده بود. در حکومت اسلامی نیز که ادامه دهنده راه پیامبر گرامی اسلام است، شکل دادن به ویژگی های اخلاقی مردم یکی از وظایف مهم حکومت به شمار می آید. البته حکومت اسلامی افزون بر درون جامعه خود، می تواند در بعد اخلاقی اخلاق را در دیگر نظامها و ملت ها نیز گسترش دهد. اخلاق الهی و مکارم اخلاق در شرع مقدس اسلام توضیح و تفصیل داده شده است. چه آن چیزهایی که مربوط به خود انسان است مثل صبر، شکر، اخلاص و قناعت؛ چه آنها که در رابطه با انسانهای دیگر است مثل گذشت، تواضع ایثار و تکریم انسان ها و چه چیزهایی که در رابطه با مجموعه جامعه اسلامی است. اخلاق اسلامی دامنه وسیعی دارد اینها همان چیزهایی است که بیشترین تلاش همه انبیا و اولیا و بزرگان ادیان الهی و در اسلام تلاش نبی مکرم اسلام و ائمه بزرگان - برای آن بوده است که اینها به وجود بیایند. جامعه ما باید یک حرکت اساسی را به عنوان متمم اصلی انقلاب بزرگ اسلامی انجام بدهد که این حرکت بزرگ دارای دو مرحله باشد: یکی استقرار نظام و گسترش اخلاق اسلامی در میان خود ما ارزشی شدن خلیقات در میان مردم ما ... اما مرحله دوم این است که شما اینها را به دنیا یاد بدهید. دنیا امروز احتیاج دارد بشریت در سطح جهان از فقدان اخلاق رنج میبرد. اسلام و مسلمین می توانند بهترین هدیه اخلاقی را به ملتها بدهند؛ به بشریت اعطا کنند.

فصل دوم: نکات مهم اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری

- ۱- از دیدگاه رهبری، حکومت اسلامی در اداره جامعه، روش ویژه ای را دارد و چنان نیست که بتواند با بکارگیری «روش های غربی» به هدف های خود برسد. بنابراین، حکومت اسلامی باید روش حکومتی ویژه و شایسته ای داشته باشد.
- ۲- بیگانگی و یگانگی انسان ها، ضرورت قدرت، محدودیت های اخلاقی و قانونی قدرت و تحقق اراده الهی، ایجاد عدالت اجتماعی تأمین امنیت و رفاه به عنوان غایت های قدرت، بنیادی ترین اندیشه های سیاسی آیت الله خامنه ای هستند.
- ۳- هیچ فیلسوفی به صراحت (هابز) به این بحث که انسان ها به طور ذاتی از هم بیگانه اند، نپرداخته است بر اساس استدلال هابز، وضعیت ذاتی انسان ها، جنگ همه انسان ها بر ضد همه انسان هاست
- ۴- تیندر می گوید از آنجا که انسان ها بیگانه اند، برای تحقق نظم، قدرت ضروری به نظر می رسد چون انسان ها ناپرابرند، قدرت به عنوان راهکاری که در آن، فضیلت ها یا اقلیت می تواند به سود همگان باشد، توجیه پذیر است.
- ۵- آنارشیسیم، نمونه ای از نظریه هایی است که نیکی را به جای قدرت نشانند. معمولاً گفته می شود نظم را با تلفیق برخی از این نیروها و البته با قدرت سنجیده انسانی می توان به دست آورد.
- ۶- دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که می گوید شاید قدرت از نظر اخلاقی یا اجتماعی سودمند نباشد، ولی از نظر موقعیتی که برای فرد ستمگر و بی عاطفه فراهم می آورد، آشکارا ارزشمند است.

- ۷- از سوی دیگر، آثارشبیست‌ها معتقدند قدرت در هیچ شرایطی نباید به کسی واگذار شود ارسطو، بهترین راه حکومت را اداره آن از سوی اقلیت متوسط می‌داند.
- ۸- به باور (ماکیاولی) «چنین کاری توجیه پذیر است. به نظر او، کاربرد اثرگذار قدرت با رعایت دقیق قانون اخلاقی، ناسازگار است.
- ۹- تا فردی درباره هدف زندگی تصور کلی نداشته نداشته باشد، نمی‌تواند درباره وظایف دولت اظهار نظر کند. برخی مانند (سارتر) گفته اند زندگی انسان هیچ هدفی ندارد.
- ۱۰- آیت الله خامنه ای، مجاهدی شجاع و با تقواست که در سراسر زندگی پر برکتش همواره در جهاد الهی بوده است. به ویژه پس از سال ۱۳۴۱ که امام بزرگوار، نهضت عظیم اسلامی را به راه انداخت، لحظه ای از تلاش و جهاد باز نمانده است.
- ۱۱- آیت الله خامنه ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز لحظه ای از تلاش و حمایت از انقلاب باز نایستاد و در تمام صحنه ها، در کنار دوستان متعهد خویش حضوری چشمگیر داشت و در این راه، بارها تا مرز شهادت پیش رفت در این دوران سرنوشت ساز، مسئولیت های فراوان و دشواری را به عهده گرفت.
- ۱۲- توانایی و قدرت فکری آیت الله خامنه ای و فهم بالای ایشان از معارف اسلامی به گونه ای آشکار بود که پس از شهادت شهید مطهری، حضرت امام رحمه الله ایشان را برای حل مسائل دانشجویان پیشنهاد کرد.
- ۱۳- آیت الله خامنه ای بر آن است که فطرت انسانی، حق پذیر است و نوع انسان همانگونه که موجودی رو به رشد و تکامل است.
- ۱۴- شخصیت هر انسانی، غیر از عوامل و عناصری است که وجود خارجی و ظاهری او را تشکیل می دهد مقدمات دیگری نیز دارد که نسبت به آن عناصر و عوامل، جنبه و زیربنایی دارد.
- ۱۵- از دیدگاه آیت الله خامنه ای، یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر رفتار انسان ها، نفس انسان است: در وجود ما، هم سرچشمه همه شرارت ها وجود دارد که همان نفس ماست که از همه بت ها خطرناک تر، بت نفس و خودخواهی ماست و هم سرچشمه همه خیرات و زیبایی ها و کمالات.
- ۱۶- یکی دیگر از عواملی که سبب تعارض و تفرقه در جامعه می شود، بحث آسایش طلبی، فردگرایی، خودخواهی و زیاده خواهی در امور زندگی و امور اقتصادی است که انسان ها را فلج می کند.
- ۱۷- پایه تمام فسادها و مایه انحراف و لغزش همه جوامع، طبق نظر قرآن «ترف» است فساد از نظر کیفیت در میان اشراف بسیار زیادتر، پرخرج تر و پر زرق و برق تر است، اما قربانی فساد هایی که ان ها به جامعه تزریق می کنند، بیشتر در میان همین محرومین است.
- ۱۸- به باور همه اندیشمندان غربی، قابلیت در وجود انسان هست که با آن می توان ناسازگاری را تعدیل کرد یا از میان برد و این قابلیت، همان (عقل) است.
- ۱۹- نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است همه چیز از اینجا شروع می شود.
- ۲۰- یکی از مهمترین عوامل رشد جوامع انسانی، (معنویت گرایی) جوامع بشری است بر این اساس، هر چه انسان ها به معنویت و خدا گرایش بیشتری داشته باشند، آن جوامع در مقایسه با جوامع غیر دینی، استواری بیشتری خواهند داشت.
- ۲۱- فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل شوند.
- ۲۲- تکلیف اصلی قوه قضاییه، عبارت از اقامه قسط و عدل است این حرکت و دعوت انبیا، شاید اصلی ترین امر مربوط به زندگی مردم باشد.
- ۲۳- به باور آیت الله خامنه ای اگر جامعه و امتی بخواهد ولایت قرآنی داشته باشد به یک نقطه قوت متمرکز در متن جامعه اسلامی نیاز دارد. به یک نقطه ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه بپیوندند.
- ۲۴- آن کسی که در جامعه اسلامی حق امر و نهی و فرمان و حق اجرای اوامر و معین کردن خط مشی جامعه و خلاصه حق تحکم در همه خصوصیات زندگی انسانها را دارد.
- ۲۵- ولایت خدا و پذیرش آن از سوی مؤمنان به دلیل نوعی زیربنای فکری است که در جهان بینی اسلام آمده است.
- ۲۶- ولایت یعنی حکومت؛ چیزی است که در جامعه اسلامی متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به ولی مؤمنین می رسد.
- ۲۷- از دیدگاه آیت الله خامنه ای ولایت عبارت است از اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر همان معانی که برای ولایت در لغت ذکر شده است - معنای محبت، معنای قیومیت و... از این جهت است که در هر کدام از اینها به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد.

۲۸_ ولایت شرعی فقیه در امور سیاسی به معنای آن است که فقیه عادل مدیر و مدبر در تدبیر و اداره شئون مختلف جامعه اسلامی برابر آموزه های اسلامی سزاوارتر از دیگران است.

۲۹_ از نظر آیت الله خامنه ای حکومت بر مردم حقی است از سوی مردم و متعلق به مردم و باید در خدمت مردم به کار رود این نظر اسلام است.

۳۰_ یکی از عواملی که از فرو افتادن دستگاه های زمام داری و مسئولان به ورطه استکبار جلوگیری می کند، حضور مردم در صحنه های مختلف است.

